

Exploring the Jurisprudential and Ethical Responsibilities of Islamic Urban Management in Confronting the Damages of the Ramadan War

Amin Amini Kashani  

Corresponding Author, PhD in Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Iran.

ABSTRACT

Contemporary wars, particularly the Ramadan War, have demonstrated that cities and urban infrastructures are primary arenas of political, economic, and psychological conflict. In such conditions, urban management extends beyond providing public services and assumes a pivotal role in maintaining social order, supporting citizens, reconstructing urban spaces, and enhancing resilience. This study aims to reinterpret the jurisprudential and ethical responsibilities of Islamic urban management in addressing the damages caused by the Ramadan War. The research employs a qualitative descriptive – analytical approach. Data were collected through documentary studies, analysis of Islamic jurisprudential and ethical sources, crisis management documents, and semi-structured interviews with experts in Islamic jurisprudence, urban management, crisis management, and political geography. Data were analyzed using thematic analysis and three – stage coding. The findings reveal that Islamic jurisprudential principles such as LaZarar (no harm), Itlaf (liability for destruction), Tasbib (causation), preservation of social order, and negation of hardship provide a strong foundation for defining the responsibilities of urban management during wartime. Moreover, ethical principles including justice, benevolence, human dignity, protection of the vulnerable, social responsibility, and non discrimination establish a human centered framework for urban crisis management. The study concludes that Islamic urban management in wartime should address not only physical reconstruction but also social cohesion, psychological support, equitable service distribution, and urban resilience. The novelty of this research lies in presenting an integrated framework based on Islamic jurisprudential and ethical foundations for urban management in contemporary wartime crises.

ARTICLE HISTORY

Received 20 May 2026
Received in revised form 08 June 2026
Accepted 06 August 2026
Available online 11 September 2026

KEYWORDS

Islamic Urban Management
Ramadan War
Jurisprudential Responsibility
Islamic Ethics
Urban Resilience

CONTACT Amin Amini Kashani  am.aminikashani@tabriziau.ac.ir

“Amini Kashani, A. (2026). Exploring the Jurisprudential and Ethical Responsibilities of Islamic Urban Management in Confronting the Damages of the Ramadan War. *Bonyan: Strategic Research in Islamic Architecture and Urbanism*, 1(3), 1 - 29.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.16058.1023>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution - NonCommercial - NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non - commercial re - use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.



بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان

امین امینی کاشانی

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکترای شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

جنگ‌های معاصر، به‌ویژه جنگ رمضان، نشان داده‌اند که شهرها و زیرساخت‌های شهری به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های درگیری و اعمال فشار سیاسی، اقتصادی و روانی تبدیل شده‌اند. در این شرایط، مدیریت شهری صرفاً نهادی اجرایی برای ارائه خدمات عمومی نیست، بلکه نقشی اساسی در حفظ نظم اجتماعی، حمایت از شهروندان، بازسازی شهری و ارتقای تاب‌آوری جامعه ایفا می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان انجام شده است. این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن از طریق مطالعات اسنادی، بررسی منابع فقهی و اخلاقی اسلامی، تحلیل قوانین و اسناد مدیریت بحران و نیز مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه‌های فقه، حقوق اسلامی، مدیریت شهری، مدیریت بحران و جغرافیای سیاسی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف، تسبیب، حفظ نظام و نفی عسروحرَج، ظرفیت گسترده‌ای برای تبیین مسئولیت‌های مدیریت شهری در شرایط جنگی دارند. همچنین اصول اخلاق اسلامی شامل عدالت، احسان، خیرخواهی، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، چارچوبی انسان‌محور برای مدیریت بحران شهری فراهم می‌سازند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگی باید علاوه بر بازسازی کالبدی، بر حفظ انسجام اجتماعی، حمایت روانی و اجتماعی، توزیع عادلانه خدمات و ارتقای تاب‌آوری شهری نیز تمرکز داشته باشد. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه چارچوبی تلفیقی از مبانی فقهی و اخلاق اسلامی برای تبیین الگوی مدیریت شهری در مواجهه با خسارت‌های جنگ‌های معاصر است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها

مدیریت شهری اسلامی

جنگ رمضان

مسئولیت فقهی

اخلاق اسلامی

تاب‌آوری شهری

CONTACT Amin Amini kashani am.aminikashani@tabriziau.ac.ir

”امینی کاشانی، ا. (۱۴۰۵). بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان. بنیان: پژوهش‌های راهبردی معماری و شهرسازی اسلامی، (۳)، ۱-۳۹.“

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.16058.1023>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution - NonCommercial - NoDerivatives License

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

۱. مقدمه

جنگ‌ها همواره فراتر از یک تقابل نظامی، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهرها را تحت تأثیر قرار داده‌اند و پیامدهای گسترده‌ای بر حیات انسانی و نظام مدیریت شهری برجای گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، مدیریت شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان اداره جامعه، وظیفه حفظ امنیت شهروندان، تأمین خدمات عمومی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، مدیریت بحران و بازسازی فضاهای آسیب‌دیده را برعهده دارد. جنگ رمضان یا جنگ تحمیلی آمریکایی - صهیونی علیه ایران نیز ازجمله بحران‌هایی است که علاوه بر خسارت‌های انسانی، موجب آسیب‌های گسترده به زیرساخت‌های شهری، خدمات عمومی و زیست اجتماعی شهروندان شد و ضرورت بازاندیشی در مسئولیت‌های مدیریت شهری را بیش از پیش آشکار ساخت. از این رو، بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های ناشی از جنگ، می‌تواند زمینه‌ساز ارائه الگویی بومی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای حکمرانی شهری در شرایط بحران باشد.

در اندیشه اسلامی، مدیریت جامعه برپایه اصولی همچون عدالت، رعایت حقوق عمومی، حفظ کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جلوگیری از اضرار به دیگران استوار است. قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف و تسبیب از مهم‌ترین مبانی نظری در حوزه مسئولیت اجتماعی و جبران خسارت‌ها به‌شمار می‌روند و می‌توانند چارچوبی فقهی برای تبیین وظایف نهادهای مدیریتی در شرایط جنگی فراهم آورند. در همین راستا، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قاعده فقهی لاضرر نه تنها در پیشگیری از آسیب، بلکه در الزام نهادهای مدیریتی به جبران خسارت‌ها و مدیریت بحران‌ها نیز دارای ظرفیت نظری گسترده‌ای است (Hasanzadeh et al, 2019). همچنین، فقه اسلامی و مقاصد شریعت ظرفیت بالایی برای سامان‌دهی سیاست‌های حمایتی و مدیریتی در شرایط بحرانی دارند و می‌توانند مبنایی برای سیاست‌گذاری عمومی در حوزه مدیریت بحران باشند (Arief et al, 2025).

ازسوی دیگر، مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با بحران‌های جنگی صرفاً محدود به بازسازی کالبدی شهرها نیست، بلکه ابعاد اخلاقی و انسانی نیز در آن اهمیت اساسی دارد. عدالت در توزیع خدمات، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، رعایت حقوق شهروندان و تقویت تاب‌آوری اجتماعی ازجمله مهم‌ترین اصول اخلاق اسلامی در مدیریت شهری به‌شمار می‌روند. در این زمینه، پژوهش‌های انجام‌شده تأکید می‌کنند که آموزه‌های قرآنی، مدیریت بحران و تأمین امنیت اجتماعی را بخشی از مسئولیت اخلاقی و دینی مدیران جامعه می‌دانند و بر پیوند میان توسعه، عدالت و امنیت اجتماعی تأکید دارند (Ramli et al, 2014). بنابراین، بررسی ابعاد فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در قبال خسارت‌های جنگ رمضان، می‌تواند علاوه بر تبیین مسئولیت‌های مدیریتی، زمینه ارائه راهبردهایی برای بازآفرینی شهری، ارتقای تاب‌آوری و تحقق عدالت اجتماعی در شرایط جنگ و پساجنگ را فراهم سازد.

بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های ناشی از جنگ رمضان و ارائه چارچوبی نظری برای حکمرانی شهری اسلامی در شرایط بحران‌های جنگی است و می‌خواهد به این پرسش پاسخ گوید که «مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان چیست و این مسئولیت‌ها برپایه چه اصول و مؤلفه‌هایی قابل تبیین هستند؟».

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با عنوان «بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان» از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، کیفی و اکتشافی است که با رویکرد تفسیری - تحلیلی انجام می‌شود. در این پژوهش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از مبانی فقه اسلامی، آموزه‌های اخلاق اسلامی و ادبیات مدیریت شهری، چارچوبی نظری برای تبیین مسئولیت‌های مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان ارائه شود. روش اصلی پژوهش، تحلیل مضمون است؛ زیرا این روش امکان استخراج مفاهیم، مضامین و مؤلفه‌های پنهان در متون فقهی، اسناد مدیریتی و دیدگاه‌های خبرگان را فراهم می‌کند.

گردآوری اطلاعات در دو بخش مطالعات اسنادی و مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. در بخش مطالعات اسنادی، منابع فقهی و تفسیری مرتبط با قواعدی همچون لاضرر، اتلاف، تسبیب، عدالت و حفظ حقوق عامه، همچنین آیات قرآن کریم، روایات، مقالات علمی داخلی و خارجی، اسناد مدیریت بحران، قوانین مدیریت شهری و گزارش‌های مرتبط با جنگ رمضان مورد بررسی قرار می‌گیرند. در بخش میدانی نیز به منظور تکمیل اطلاعات و دستیابی به ابعاد کاربردی موضوع، از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه‌های فقه، حقوق اسلامی، مدیریت شهری، مدیریت بحران و جغرافیای سیاسی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و فرایند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به گونه‌ای که پس از تکرار مفاهیم و عدم دستیابی به داده‌های جدید، فرایند گردآوری داده متوقف شده است. تعداد مشارکت‌کنندگان نیز بین ۱۲ تا ۲۰ نفر بوده است. به منظور تأمین اعتبار علمی پژوهش، معیارهایی همچون اعتبار اطلاعات، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، نتایج اولیه توسط خبرگان و مشارکت‌کنندگان بازبینی شده و تمامی مراحل گردآوری و تحلیل اطلاعات به صورت دقیق مستندسازی می‌شود. قلمرو موضوعی پژوهش، مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگ و بحران است و قلمرو مکانی آن مناطق آسیب‌دیده از جنگ رمضان در شهر تهران را دربرمی‌گیرد.

لازم به ذکر است به دلیل ملاحظات امنیتی و حفظ حریم خصوصی شهروندان، تصاویر، اسناد هویتی و اطلاعات مکانی دقیق آسیب‌دیدگان در این پژوهش منتشر نشده و صرفاً داده‌های تجمیعی و غیرمحرمانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با موضوع مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با بحران‌ها و جنگ، عمدتاً در سه حوزه مدیریت شهری اسلامی، فقه و اخلاق بحران و جنگ و تاب‌آوری و مدیریت بحران قابل دسته‌بندی هستند. در حوزه مدیریت شهری اسلامی، پژوهش ستاری ساربانقلی و ذبیحی (۱۳۸۸) با عنوان «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه؛ تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی» از جمله مطالعات بنیادین در این زمینه است. این پژوهش با بررسی ساختار مدیریت شهری در عصر نبوی، نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری حاکمیت، حفظ حقوق عمومی و مشارکت مردمی از مهم‌ترین اصول مدیریت شهری در اندیشه اسلامی محسوب می‌شوند. همچنین حسین و محمود (۲۰۱۱) در پژوهش «راهبردهای مدیریت شهری پایدار در شهر اسلامی با رویکرد دوگانه (شهر و قدرت)» بیان می‌کنند که مدیریت شهری در تمدن اسلامی برپایه حفظ مصالح عمومی، جلوگیری از ضرر اجتماعی و تحقق عدالت فضایی شکل گرفته است. این مطالعات اگرچه مبانی نظری مدیریت شهری اسلامی را تبیین کرده‌اند، اما کمتر به شرایط بحرانی و جنگی و مسئولیت‌های مدیریت شهری در این وضعیت پرداخته‌اند.

در حوزه فقه و اخلاق بحران، مطالعات متعددی بر ظرفیت قواعد فقهی در مدیریت بحران و حمایت از آسیب‌دیدگان تأکید نموده‌اند. حسن‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش «نقش قاعده فقهی لاضرر در مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی» نشان می‌دهند که قاعده لاضرر می‌تواند به عنوان مبنایی برای الزام نهادهای مدیریتی به پیشگیری از آسیب و جبران خسارت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین عارف و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله «همسوسازی فقه بلایا با سیاست مدیریت بلایا در اندونزی: بررسی روش‌شناسی مقاصد» تأکید می‌کنند که فقه اسلامی و مقاصد شریعت، ظرفیت بالایی برای تدوین سیاست‌های مدیریت بحران و حمایت از جامعه در شرایط بحرانی دارند. افزون بر این، رملی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش «بازنگری مفهوم توسعه، مدیریت بلایا و ایمنی: دیدگاه قرآنی» بیان می‌کنند که آموزه‌های قرآنی، مدیریت بحران و تأمین امنیت اجتماعی را بخشی از مسئولیت اخلاقی و دینی مدیران جامعه می‌دانند و میان عدالت، توسعه و امنیت اجتماعی ارتباطی بنیادین برقرار می‌کنند. این مطالعات بیشتر بر مبانی نظری فقه بحران و اخلاق مدیریت تمرکز داشته و کمتر به پیوند آن با مدیریت شهری در شرایط جنگی پرداخته‌اند.

در حوزه اخلاق جنگ و مسئولیت اجتماعی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. زروم و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله «اخلاق جنگ در اسلام در پرتو روابط بین‌الملل معاصر:

یک مطالعه فقهی کاربردی» بیان می‌کنند که فقه اسلامی حتی در شرایط جنگ نیز بر رعایت کرامت انسانی، حمایت از غیرنظامیان، جلوگیری از تخریب غیرضروری و مسئولیت حاکمیت در قبال آسیب‌دیدگان تأکید دارد. همچنین عبدالملک (۲۰۲۴) در پژوهش «فقه عمران و چالش‌های همزیستی با قوانین نوین برنامه‌ریزی شهری در چارچوب شهرگرایی ترکیبی» به ظرفیت فقه اسلامی در سامان‌دهی فضاهای شهری و بازسازی اجتماعی اشاره کرده و معتقد است که فقه عمران می‌تواند مبنایی برای بازآفرینی شهری در شرایط بحران باشد.

با وجود ارزشمند بودن این مطالعات، تاکنون پژوهشی جامع که به‌صورت مستقیم مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی را در قبال خسارت‌های جنگ بررسی و چارچوبی منسجم برای مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگ و پسا جنگ ارائه نماید، ارائه نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق مبانی فقه اسلامی، اخلاق اسلامی و نظریه‌های مدیریت شهری، این خلأ علمی را پوشش دهد.

۴. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر پیوند میان سه حوزه اصلی فقه اسلامی، اخلاق اسلامی و مدیریت شهری و مدیریت بحران استوار است. با توجه به ماهیت کیفی و تفسیری پژوهش و استفاده از روش تحلیل مضمون، مبانی نظری نه تنها نقش پشتیبان مفهومی را ایفا می‌کنند، بلکه به‌عنوان چارچوب هدایت‌کننده فرایند کدگذاری، استخراج مضامین و تفسیر داده‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این‌رو، تلاش می‌شود مفاهیم نظری مرتبط با مسئولیت‌های مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگی، از خلال منابع فقهی، اخلاقی و نظریه‌های مدیریت بحران تبیین و در قالب یک چارچوب مفهومی منسجم سازمان‌دهی شوند.

در این پژوهش، جنگ رمضان به‌عنوان یک بحران چندبعدی در نظر گرفته شده که پیامدهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی برای شهرها ایجاد نموده است. در چنین شرایطی، مدیریت شهری اسلامی صرفاً مسئول اداره خدمات شهری نیست، بلکه وظیفه حفظ عدالت، حمایت از آسیب‌دیدگان، جبران خسارت‌ها، صیانت از کرامت انسانی و بازسازی اجتماعی را نیز برعهده دارد. بنابراین، مبانی نظری پژوهش حاضر مبتنی بر رویکردی میان‌رشته‌ای است که از تلفیق قواعد فقه اسلامی، اصول اخلاق اسلامی و نظریه‌های نوین مدیریت شهری و تاب‌آوری شهری شکل گرفته است.

۴.۱. مدیریت شهری اسلامی

مدیریت شهری اسلامی به مجموعه‌ای از اصول، ساختارها و فرایندهایی اطلاق می‌شود که اداره شهر را برپایه آموزه‌های اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ حقوق عمومی و تأمین رفاه جامعه سامان می‌دهد. در اندیشه اسلامی شهر تنها یک کالبد فیزیکی نیست، بلکه بستری برای تحقق حیات طیبه، عدالت اجتماعی و امنیت انسانی محسوب می‌شود. در این چارچوب، مدیریت شهری وظیفه دارد میان ابعاد مادی و معنوی زندگی شهروندان تعادل برقرار کند. در نگرش اسلامی، مدیریت نوعی ایدئولوژی است؛ یعنی نوعی از بایدهاست و بین ایدئولوژی و جهان‌بینی، ارتباط وجود دارد. از آنجا که ایدئولوژی اسلامی به‌معنای مدیریت و فرماندهی اسلامی است، قهرراً جهان‌بینی آن نیز باید اسلامی باشد. در همین راستا، اهداف مدیریت اسلامی همچون آگاهی‌بخشی به انسان‌ها، تربیت معنوی، احیای ارزش‌های اخلاقی، اقامه قسط و عدل به‌صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه، و نیز رهایی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت، از حکومت اسلامی جدا نیست (Firoozi & Sajadian, 2018).

حکمرانی اسلامی، شیوه اجرایی حکومت اسلامی در جامعه را تشکیل می‌دهد و به سازوکارها، روابط و فرایندهایی می‌پردازد که منجر به اعمال حاکمیت اسلامی می‌شوند. مفهوم حکمرانی اسلامی، ناظر بر راه‌های اداره، سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط حکومت اسلامی است. به اعتقاد آنان، حکمرانی اسلامی را می‌توان بخش نرم‌افزاری حکومت در جامعه دانست که عمدتاً به روابط و سازوکارهایی اشاره دارد که زمینه اعمال حکومت را فراهم می‌کنند. در حکمرانی اسلامی، هدف اصلی افزایش کارآمدی نظام حاکمیت سیاسی برپایه آموزه‌های اسلامی برای اداره جامعه دینی است. در این نوع حکمرانی، مسئله اساسی، اداره مطلوب جامعه اسلامی با پشتوانه قدرت دولت و در چارچوب ارزش‌های الهی است.

ازاین‌رو، حکمرانی اسلامی باید زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی امت اسلامی بوده و پیشرفت همه‌جانبه آنان را تضمین کند. بر همین اساس، در جوامع اسلامی، الگوی حکمرانی اسلامی به‌عنوان بدیلی برتر در برابر الگوهای رایج حکمرانی خوب که ازسوی سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است (Badkoo, 2025: 85).

از اصول مهم در مدیریت شهری اسلامی «عدالت» است. در حوزه حکومت، سیاست و قضاوت اسلام فرمان به «عدالت» می‌دهد. قرآن کریم ضمن یادآوری اینکه مسؤولیت‌ها و امانت‌ها را باید به افراد شایسته و باکفایت سپرد بیان می‌دارد که هرگاه میان مردم حکم و فرمانی راندید، به عدالت حکم کنید. لذا قاعده عدالت، در حوزه زندگی اجتماعی و روابط میان مردم و حکومت، قاعده بنیادین است و طرفین به منظور سامان و تداوم نظم و نظام سیاسی باید آن را پاس بدارند. همچنین شرط اساسی تحقق خیر و سعادت حقیقی جامعه منوط به تحقق و استحکام «امنیت» است. تا زمانی که در جامعه و اجتماعی فرد در آرامش و امنیت نباشد و دغدغه اساسی وی برآوردن امنیت باشد امکان پرداختن وی به فضایل و خیرات بالاتر و آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی خود به خود منتفی است. توجه به طبیعت در مدیریت شهری اسلامی بسیار مهم و تعیین کننده است. شهر اسلامی به نحوی بنا و پی‌ریزی نمی‌شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دیندار به جهان پیرامون خود به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی‌اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی‌حد و حصر رسانند. انسان به‌عنوان موجودی مسؤول در برابر طبیعت به منزله مخلوق خداوند، مسؤولیت و وظیفه دارد (Pezhvak, 2016: 349-350). مؤلفه‌های مدیریتی شهر اسلامی در کلام امیرالمؤمنین امام علی (ع) را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد (Babaei, 2014):

• توجه به آبادانی شهر (Nahj al-Balagha, Letter 53)؛

• توجه به محیط‌زیست (Nahj al-Balagha, Sermon 167)؛

• برقراری عدالت (Nahj al-Balagha, Letter 53)؛

• مشورت (Nahj al-Balagha, Letter 53)؛

• وحدت و همگرایی اجتماعی (Nahj al-Balagha, Sermon 218)؛

• تأکید بر سکونت در شهرهای بزرگ و سامان‌یافته (Nahj al-Balagha, Letter 69)؛

در این راستا، شاخص‌های حکمرانی منطبق با دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه را می‌توان بدین‌صورت خلاصه نمود: پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر مردم، ثبات سیاسی، نفی خودمحوری، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم، شایسته‌سالاری کارگزاران و ضرورت مدارا در حکومت (Shahabadi & Jameh, 2013).

امام علی (ع) برای والیان و کارگزاران حکومت نیز برنامه‌ها و شروط مشخصی تبیین کرده‌اند که با اجرای آن‌ها، امور شهروندان سامان یافته و زمینه‌های توسعه و پیشرفت جامعه فراهم می‌شود. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: فراهم‌آوردن زمینه همبستگی اجتماعی و تحقق مشارکت مردمی، برقراری امنیت و نظم عمومی و پرداختن به فعالیت‌های حیاتی و زیرساختی جامعه (Sobhani, 2012: 366).

درادامه اصول موضوعه مدیریت شهری اسلامی در خاستگاه مکتب، جامعه، انسان و نیز اصول متعارفه در مدیریت اسلامی را با شرحی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اصول موضوعه و متعارفه مدیریت شهری اسلامی

اصول موضوعه	در خاستگاه مکتب	توحید
		خدامحوری
		حق‌جویی
		عدالت‌محوری (اجتماعی، اقتصادی و فردی)
		وحی قرآنی، سنت، عقل، اجماع به‌عنوان منابع حقایق
		تأکید بر ارزش‌ها و فضایل اخلاق
		تأکید بر اصل حکمت
		اصل هدایت و رهبری

مشارکت‌پذیری همه شهروندان اصل ثبات و پایداری در مواضع حق	
در خاستگاه جامعه	
حقوق متقابل شهروندان و مدیریت شهری پذیری شهروندان و مدیریت شهری مسئولیت پاسخگویی مدیریت شهری احساس عمیق دینی خدمت شهروندان برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی تأکید بر انسان اجتماعی ایجاد فرصت رشد برای شهروندان مدیریت فرهنگی اجتماع شهری فرهنگ‌پذیری شهروندان و مدیریت شهری	
تأکید بر اصالت فردی شهروندان و نیز اجتماعی شهری و افزایش تعامل میان آن‌ها	
در خاستگاه انسان	
تلاش مدیریت شهری در رشد تمامی ابعاد وجودی انسان (نگرش نظام‌مند به مدیریت شهری) در مدیریت منابع انسانی؛ انتظار مدیریت شهری با قدرت و توانایی افراد تناسب داشته باشد. تناسب برنامه مدیریت شهری با اصل خدامحوری انسان تناسب مسئولیت‌ها با اختیارات و آزادی‌ها سوق دادن انسان‌ها در برنامه‌های مدیریت شهری به سمت کمال الهی (اصل آونگی انسان) اصل برابری و نابرابری راه رضایت الهی تأمین رضایت شهروندان است.	
در مدیریت اسلامی	
اصول متعارفه	
برقراری و حفظ نظم سازمانی تسلط نگرش نظام‌مند تأکید بر متزه بودن سازمانی اعتماد به نفس، قاطعیت و صراحت آینده‌نگری در مدیریت	

Source: Firoozi & Sajadian, 2018: 103

اصول ارائه‌شده در مواجهه با خسارت‌های ناشی از جنگ رمضان اهمیت دوچندان می‌یابند. جنگ و بحران‌های ناشی از آن، علاوه بر تخریب کالبدی شهرها، موجب آسیب‌های اجتماعی، روانی، اقتصادی و اخلاقی در جامعه می‌شوند؛ از این رو مدیریت شهری اسلامی موظف است برپایه مبانی فقهی و اخلاقی، نسبت به جبران خسارت‌ها، بازسازی زیرساخت‌ها، حمایت از آسیب‌دیدگان، حفظ عدالت فضایی، تقویت همبستگی اجتماعی و بازگرداندن امنیت و آرامش به جامعه اقدام نماید. در این چارچوب، اصولی همچون عدالت‌محوری، خدامحوری، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، مشارکت مردمی و حفظ کرامت انسانی می‌توانند به عنوان مبانی نظری مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگی تبیین شوند. بنابراین، مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان صرفاً نقش یک نهاد خدماتی یا اجرایی را ندارد، بلکه به عنوان نهادی مسئول در قبال حقوق عمومی، امنیت اجتماعی و بازسازی حیات شهری عمل می‌نماید. چنین نگرشی می‌تواند زمینه ارائه الگویی بومی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را برای مدیریت بحران‌های جنگی و بازآفرینی شهرهای آسیب‌دیده فراهم سازد.

۲.۴. قواعد فقهی مرتبط با بحران

فقه اسلامی دارای ظرفیت گسترده‌ای برای تبیین مسئولیت‌های اجتماعی و مدیریتی در شرایط بحران است. قواعد فقهی‌ای همچون «لا ضرر»، «اتلاف»، «تسبیب»، «حفظ نظام» و «نفی عسرو حرج» از جمله مهم‌ترین قواعدی هستند که می‌توانند مبنای مسئولیت مدیریت شهری در شرایط جنگی قرار گیرند.

۲.۴.۱. قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که مستند بسیاری از مسائل فقهی به شمار می‌آید. مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، منبع چهارم فقه یعنی عقل است (Molaei & Amini kashani, 2022).

بررسی موارد استفاده واژه‌های «ضرر» و «ضرار» در منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضرر، شامل تمام خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی، به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوءاستفاده از حق» تعبیر می‌شود (Andalib, 2018: 17-18). در معنای «ضرر» و «ضرار» امام خمینی (ره) فرموده‌اند: ضرر و اضرار، بیشتر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده شده است و ضرار و واژه‌های مترادف آن به معنای در تنگنا قرار دادن و ایجاد ناراحتی و مشقت به دیگران است (Aliabadi & Toghroljerdi, 2011: 72). به موجب این قاعده، در یک نظام اسلامی هر حکمی که اجرای آن مستلزم زیان رساندن به دیگران شود، قابل اجرا نخواهد بود. حال این زیان جانی باشد و یا مالی و یا معنوی و روحی فرقی نمی‌کند (Seifian, 1998: 73).

۲.۲.۴. قاعده اتلاف

مفاد قاعده اتلاف در "من أَلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ وَ لَهُ ضَامِنٌ" مندرج است؛ یعنی هر کس مال دیگری را بدون اذن او تلف کند یا مورد بهره برداری قرار دهد، ضامن است (Karami, 2017: 234). اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی که شخص مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند و اتلاف حکمی که نفس مال از بین نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود. مثلاً شخصی وسایل سرمایش متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار نماید. در اتلاف، وجود اعتباری مالی که تلف می‌شود، بر ذمه قرار می‌گیرد و تلف کننده باید از عهده این ذمه برآید. واژه مال در منابع، شامل منافع و چیزهایی می‌گردد که انسان بدان نیازمند است و به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در سلامت، رشد و تمامیت جسمانی او تأثیرگذار است و قابلیت بهره‌برداری دارد (Golkhatmi & Haghighatbin, 2016: 83). برای مثال اگر اقدام نکردن به موقع اشخاص یا نهادهای مسئول، سبب خسارت‌های زیست‌محیطی شود، به حکم این قاعده، مسئولیت جبران خسارت بر عهده سبب خواهد بود (Vafadar et al, 2017: 157).

۳.۲.۴. قاعده تسبیب

قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی حقوقی در باب ضمان است که در حقوق مدنی، جبران خسارت و در حقوق کیفری، مجازات را در پی دارد. وقوع جرم یا ورود ضرر به دیگری همواره به صورت مستقیم و از طریق مباشرت صورت نمی‌گیرد. بلکه در بسیاری از امور کیفری و مدنی شخص به طور غیرمستقیم و از طریق تسبیب سبب تلف مال و ورود ضرر به دیگری و یا تحقق جرم می‌شود که بسته به نوع عمل مرتکب برای وی مسئولیت مدنی یا کیفری یا هر دو ایجاد می‌گردد و نظر به اینکه عمل مسبب می‌تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی، سلبی یا ایجابی باشد و به اشکال مختلف اعم از تسبیب محض، اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب تحقق پیدا کند؛ از این رو تعیین فرد یا افراد مسؤول در بسیاری از موارد به ویژه در اجتماع سبب و مباشر و به خصوص، جایی که سبب اقوی از مباشر است، برای تحمیل مجازات یا جبران خسارت از اهمیت خاصی برخوردار است (Abolghasemi, 2022: 17).

۴.۲.۴. قاعده نفی عسرو حرج

در قاعده نفی عسرو حرج معنای عسر عبارت از صعوبت، مشقت و شدت است که در فارسی از آن به دشواری و سختی تعبیر می‌شود. حرج نیز در لغت به معنای ضیق، تنگی، تنگنا، گناه و حرام است (Sadeghi & Asayesh, 2016: 85). شریعت اسلامی، بر حالت یسره (Qur'an, 2:185) "وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ" برای شما دشواری نمی‌خواهد" و نفی حرج (Qur'an, 22:78) "وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ" در دین بر شما سختی قرار نداده است" مبتنی است. بر این اساس، اراده خداوند بر آن است که زندگی انسانی، علی‌الاصول راحت و بی مشکل باشد. به این مسئله قاعده نفی عسرو حرج می‌گویند. لذا انسان نیز می‌بایست از تحمیل سختی و مشقت جسمانی و غیرجسمانی بر خود و دیگران پرهیز کرده و توجه به مسئله امنیت و فراهم آوردن رفاه و آسایش و تحقق گشایش و آرامش برای خویش را در اولویت قرار دهد.

در مواردی که اعمال قاعده نفی حرج موجب ضرری برای طرف دیگر شود و یا بر عکس، بین قاعده نفی عسرو حرج و قاعده لاضرر، در ظاهر تعارض به وجود می‌آید.

مانند موردی که تصرف مالکی در ملک خود مانند کندن چاه سبب ایراد ضرر به همسایه‌اش شود و ازسوی دیگر، منع تصرفات مالکانه او ازسوی همسایه مجاور نیز به استناد قاعده لاضرر، موجب آن شود که مالک در حرج و مشقت واقع شود. در این موارد نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی بدین شرح است: «این دو قاعده از جهت اینکه هیچ‌یک بر دیگری حکومت ندارند و هر دو دارای مصلحت و ملاکند، باید در صورت امکان به هر دو عمل نمود و در صورت عدم امکان باید به قدر امکان عمل نمود و نمی‌توان هر دو را رها کرد. بنابراین بایستی خرج‌ها و ضررها را مقایسه کرده و هر کدام از آن‌ها که اقوی بود آن را رعایت نموده و دیگری را رها نمود و اگر دارای ملاک مساوی بودند و یا تشخیص داده نشد، در این صورت باید به قرعه که برای رفع مشکل تشریع شده است رجوع کرده و یکی از آن‌ها را تعیین نمود» (Fazel Mehr, 2017).

۴.۲.۵. قاعده حفظ نظام

یکی از واجبات مهم اسلام، حفظ نظام جامعه، زندگی و معیشت مردم است. گرچه فقها به‌طور مستقل درباره این مسئله بحث نکرده‌اند، ولی از سخنان آن‌ها در موارد گوناگون به‌دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه، از مسلمات فقه است. بنابراین، شکی نیست که آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، ممنوع و حرام و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است. اگر بین حفظ نظام و دیگر احکام شخصی یا اجتماعی تراحم واقع شود، حفظ نظام بر آن‌ها مقدم است؛ زیرا حفظ نظام از واجباتی است که شارع مقدس به‌هیچ‌وجه به ترک آن راضی نیست. از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تراحم حفظ نظام معیشتی مردم با امور دیگر، حفظ نظام را مقدم بدارد؛ البته تا جایی که با اساس اسلام و عدالت در تضاد نباشد (Baghizadeh & Omidifar, 2014: 196).

۴.۲.۶. جمع‌بندی نظری قواعد فقهی

با توجه به تبیین قواعد فقهی مرتبط با شرایط جنگ و بحران‌های شهری، ابعاد نظری قواعد فقهی مطرح‌شده در جدول شماره ۲ ارائه شده است. برای هر یک از قاعده‌ها نیز مواردی همچون کانون توجه، نوع حق مورد حمایت و سطح مداخله تدوین شده است.

جدول ۲. ابعاد نظری قواعد فقهی در مواجهه با بحران‌ها

قاعده	کانون توجه	نوع حق مورد حمایت	سطح مداخله
لاضرر	دفع زیان	حقوق اشخاص و جامعه	قبل و حین بحران
اتلاف	جبران خسارت	حقوق مالی و مالکیت	پس از وقوع خسارت
تسبیب	تعیین مسئولیت	حقوق عمومی و خصوصی	قبل و بعد از خسارت
نفی عسروخرج	رفع مشقت	رفاه و آسایش عمومی	حین و پس از بحران
حفظ نظام	بقای جامعه و نظم عمومی	مصلحت عمومی	تمامی مراحل بحران
قاعده	کانون توجه	نوع حق مورد حمایت	سطح مداخله

مقایسه قواعد فقهی نیز در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که قاعده لاضرر بر جلوگیری از زیان، قاعده اتلاف بر جبران خسارت، قاعده تسبیب بر مسئولیت ناشی از ایجاد خسارت، قاعده نفی عسروخرج بر رفع دشواری‌های غیرمتعارف و قاعده حفظ نظام بر صیانت از نظم و مصلحت عمومی تأکید دارد. درواقع، این قواعد در کنار یکدیگر یک چارچوب نظری منسجم برای تحلیل مسئولیت‌های نهادهای اجتماعی و مدیریتی در شرایط بحران فراهم می‌کنند. از این منظر، فقه اسلامی صرفاً به تعیین احکام فردی محدود نیست، بلکه ظرفیت ارائه مبانی نظری برای مدیریت بحران، حفظ منافع عمومی، حمایت از آسیب‌دیدگان و تأمین پایداری اجتماعی را نیز داراست.

جدول ۳. مقایسه مفهومی قواعد فقهی مرتبط با مدیریت بحران و شرایط جنگی

قاعده فقهی	مبنای نظری	موضوع محوری	قلمروی اثرگذاری	جهت‌گیری قاعده
لاضرر	نفی هرگونه ضرر و زیان ناروا	جلوگیری از ورود خسارت	فردی و اجتماعی	پیشگیرانه
اتلاف	ضمان ناشی از تلف مال یا منفعت دیگری	جبران خسارت	مالی و حقوقی	جبرانی
تسبیب	مسئولیت ناشی از ایجاد سبب خسارت	پاسخگویی نسبت به پیامدهای غیرمستقیم اعمال	فردی، سازمانی و اجتماعی	مسئولیت‌آور
نفی عسرو حرج	رفع مشقت و سختی غیرمتعارف	تسهیل امور و رفع دشواری	فردی و اجتماعی	حمایتی
حفظ نظام	صیانت از نظم و بقای جامعه اسلامی	حفظ مصالح عمومی و انتظام اجتماعی	کلان و حکومتی	راهبردی

۳.۴. اصول اخلاقی مرتبط با بحران

در نگرش اسلامی، مدیریت بحران صرفاً یک فرایند اجرایی و فنی نیست، بلکه مسئولیتی اخلاقی و انسانی نیز محسوب می‌شود. اصولی همچون عدالت، احسان، خیرخواهی، رعایت کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، نقش اساسی در اداره جامعه در شرایط بحران دارند.

۴.۳.۱. اصل عدالت

به نظر بسیاری از حکیمان، مبنای اصلی حقوق عدالت است. یعنی قانون‌گذار باید از قواعد عدالت پیروی کند (Hashemi, 2016: 26). Toghroljerdi, 2016: 26). عدالت قانون عام است که تمامی نظام آفرینش را شامل می‌شود و مفهوم عدالت این است، که حق هر موجودی، چنان که شایسته‌ی اوست ادا شود این تعریف از عدالت یک تعریف جامع است که شامل انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و حتی اشیای به ظاهر بی جان، مانند آب، سنگ و خاک نیز می‌شود (Maghrebi, 2012: 16-17). براساس آموزه‌های دین مبین اسلام، عدالت از جمله بنیادی‌ترین اصول حاکم بر نظام طبیعت و رفتار انسان است. منظور از عدالت در طبیعت که از آن به عدالت تکوینی نیز یاد می‌شود، آفرینش دارای نظم و ضابطه طبیعت است به گونه‌ای که هیچ نقص و نقصانی در آن مشاهده نمی‌شود. لذا برهم زدن نظام اکولوژیک طبیعت و فراهم آوردن زمینه تهی شدن طبیعت از ذخایر و منابع آن توسط انسان، در نتیجه مصرف بی‌رویه (اسراف) وی از آن‌ها، تعادل طبیعت را بر هم زده، با عدالت تکوینی خداوند ناسازگار است (Tavakoli, 2012: 92).

۴.۳.۲. اصل احسان

احسان به معنای نیکوکاری، از ریشه حسن گرفته شده است که به معنای نیک و پسندیده است؛ احسان در کاربردهای قرآنی، به معنای کار نیک و پسندیده است؛ از آنجایی که احسان، از نظر عرف، عقل و شرع، امری پسندیده است، هم در رفتارهای اجتماعی از اهمیت و جایگاه بلندی برخوردار است و هم از نظر قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکاملی بشر به‌شمار می‌رود و موجب می‌شود تا انسان به جایگاهی برسد که شایسته مقام انسانیت و کرامت و شرافت اوست که به عنوان خداوندی انتخاب و به کائنات معرفی شده است (Mahmoudifard & Abbasi, 2024).

قرآن کریم در آیات فراوانی توصیه به احسان و نیکی به دیگران نموده است و احسان در آیات قرآن از فعل احسان که مصدر آن احسان است به معنای نیکی است. در آیات ۱۹۵ سوره بقره و ۱۳۴ آل عمران و آیات ۱۳ و ۹۳ سوره مائده یکی از راه‌های دستیابی به محبوبیت و دوستی خداوند را احسان و نیکوکاری می‌شمارد. چنان‌که در آیه ۹۰ سوره نحل آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». خداوند جامع‌ترین اصول سامان‌دهنده حیات اجتماعی را در دو مفهوم بنیادین «عدل» و «احسان» تبیین می‌کند. عدالت بنیان اصلی نظم و پایداری اجتماعی است و همه هستی بر محور آن استوار شده است؛ با این حال، در شرایط بحرانی و دشوار، اجرای عدالت به‌تنهایی برای حل کامل مشکلات کافی نیست. از همین‌رو، قرآن کریم در کنار عدالت، بر اصل احسان نیز تأکید می‌کند؛ زیرا عبور از بحران‌ها و کاهش رنج‌های اجتماعی، افزون بر رعایت حقوق و عدالت، نیازمند ایثار، گذشت، همدلی و فداکاری است که در قالب احسان تحقق می‌یابد (Makarem Shirazi, 1995: 366).

۴.۳.۳. اصل خیرخواهی

یکی از زیرساخت‌های احکام و اخلاق در اسلام، اصل اخوت است و از نمودهای مهم و عملی آن، نصیحت و خیرخواهی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خیرخواهی برای مؤمن در بود و نبودش، ضروری است» (Ebrahimi zad Jovaimi & Talashan, 2015: 135). خیرخواهی به این معنی است که انسان هرچه از خیر و خوبی و سعادت معنوی و مادی برای خویش می‌خواهد برای دیگران نیز طالب باشد. در این باره، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «باید هرکدام از شما نسبت به برادر مؤمن خود خیرخواه باشد به همان اندازه که نسبت به خودش خیرخواه است». همچنین در نگاه ایشان بلند مقام‌ترین مردم نزد خداوند، خیرخواه‌ترین آن‌ها نسبت به دیگران است. ایشان همچنین خیرخواهی نسبت به مردم را عبادت محسوب نموده و عابدترین مردم را خیرخواه‌ترین ایشان برشمرده‌اند. امام صادق (ع) نیز خیرخواهی را یکی از اصول اساسی هفت‌گانه الگوی روابط انسان‌ها با یکدیگر بیان فرموده‌اند: «و اصول تعامل و رفتار با مردم هفت چیز است: بردباری و گذشت و فروتنی و سخاوتمندی و مهربانی و خیرخواهی و عدالت و انصاف». لذا از منظر اسلام خیرخواهی و نوع‌دوستی امری فطری و خدادادی است؛ یعنی گرایش و رفتاری اخلاقی است که ریشه در ساختار وجودی انسان‌ها دارد و امر تلقینی برخاسته از ضرورت‌ها و یا توافق‌ها و قراردادهای اجتماعی و امثال آن‌ها نیست، بنابراین مانند همه احکام اخلاقی دیگر از ثبات، اطلاق و جهان‌شمولی برخوردار است (Safaei & Abbasi, 2016: 72-74).

۴.۳.۴. اصل رعایت کرامت انسانی

علامه طباطبایی کرامت انسان را در پرتوی عقل، به‌عنوان ویژگی ممتاز و اختصاصی نوع بشر تبیین می‌کند؛ اما ذیل آیه شریفه کرامت، میان دو مفهوم «تکریم» و «تفضیل» تفاوت قائل می‌شود. به اعتقاد ایشان، مقصود از «تکریم»، اختصاص دادن عنایت، شرافت و ویژگی خاصی به انسان است که در دیگر موجودات وجود ندارد؛ درحالی‌که «تفضیل» به‌معنای برتری یافتن فرد یا گروهی نسبت به دیگران، با وجود اشتراک در اصل نعمت و عطیه الهی است. بر این اساس، علامه طباطبایی تأکید می‌کند که مراد آیه، بیان کرامت ذاتی و همگانی نوع انسان است و این معنا از لحن امتنان‌آمیز و عتاب‌گونه آیه قابل برداشت است (Tabataba'i, 2013: 157-159). حقوقی ترسیم‌شده توسط فقها، کرامت انسانی از یک‌سو در زمره حقوق غیرقابل‌نقل و انتقال قرار می‌گیرد و ازسوی دیگر، غیرقابل اسقاط و غیرقابل سقوط است. بر این اساس، حتی اراده انسان نیز در سلب کرامت خویش نافذ نیست و هیچ‌گونه توافق یا رضایتی بر سقوط آن اعتبار ندارد؛ زیرا کرامت ذاتی انسان امری غیرقابل سلب و جدایی‌ناپذیر از وجود اوست. این مفهوم در اسناد حقوقی جدید نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در اعلامیه استقلال آمریکا آمده است: «ما بر این باوریم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق بنیادین، غیرقابل سلب و تجزیه‌ناپذیری را به آنان اعطا کرده است.» (Habibzadeh & Farajpour Aslemandi, 2016: 120).

۴.۳.۵. اصل حمایت از مستضعفین

اصل اسلامی حمایت از مستضعفین ازجمله قواعدی است که واجد کارایی دوگانه داخلی و بین‌المللی است که اعمال آن در حقوق بین‌الملل به‌صورت مداخله بشردوستانه در معنای عام و در نظام داخلی به شکل حمایت‌های ویژه قانونی از محرومان تجلی می‌یابد. علی‌رغم فقدان واژه مداخله بشردوستانه در متون اسلامی، مبانی آن می‌بایست به‌عنوان زیرمجموعه مبحث جهاد به معنای عام مدنظر قرار گیرد. واژه‌های «استضعاف» و «مستضعفین» دارای ریشه‌ای قرآنی هستند؛ همان‌گونه که مفاهیمی چون «مستکبرین» و «طاغوتیان» نیز از مفاهیم بنیادین قرآن کریم به‌شمار می‌آیند و ازسوی اندیشمندان اسلامی به شیوه‌های مختلف تفسیر شده‌اند. قرآن کریم با دارا بودن حدود ۳۵۰ آیه مرتبط مستقیم و نزدیک به ۶۰۰ آیه مرتبط مستقیم و غیرمستقیم با مسئله ظلم، مفهوم ظلم را بسیار گسترده و فراگیر تلقی می‌کند. در این چارچوب، مفهوم «استضعاف» تنها ناظر بر فقر اقتصادی یا محرومیت مادی نیست، بلکه ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی را نیز دربرمی‌گیرد.

هرگونه اعمال فشار بر علیه توده‌های مردم و ایجاد درگیری با آنان که از خصلت استکباری بر می‌خیزد، نشانه استضعاف و دلیل وجود حالت استکباری در یک جامعه است (Javid & Mohammadi, 2013: 62-63).

مستضعف در اصطلاح فقهی و قرآنی صرفاً به معنای فرد فقیر و فاقد زندگی مناسب اقتصادی نیست، بلکه به کسی اطلاق می‌شود که بدون داشتن عناد و دشمنی با حق، صرفاً به دلیل نرسیدن پیام حقیقت و ناآگاهی، از مسیر حق دور مانده است؛ خواه از نظر اقتصادی مرفه باشد یا محروم (Vahidi Manesh, 2006: 11). از این رو، استضعاف در اندیشه اسلامی مفهومی فراتر از محرومیت اقتصادی دارد و شامل هرگونه محروم‌سازی انسان از رشد، آگاهی، عدالت و کرامت انسانی می‌شود.

درخصوص مبانی و منابع بحث حمایت بشردوستانه در اسلام و دفاع از مستضعفین، باید گفت که این اصل به عنوان یکی از قواعد بنیادین حقوق اسلامی، از مبانی مشترکی با سایر قواعد حقوقی اسلام برخوردار است. مبانی اصلی حقوق اسلامی، چه در عرصه داخلی و چه در حوزه روابط بین‌الملل، «وحی الهی» است و در کنار آن، «فطرت انسانی» نیز جایگاه مهمی دارد. بر همین اساس، اصولی همچون عدالت، صلح و امنیت، آزادی، وفای به عهد، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و دفاع از ملت‌های مستضعف، برخاسته از فطرت الهی انسان و آموزه‌های وحیانی اسلام به شمار می‌روند. در حقوق بین‌الملل اسلامی، به کارگیری اصطلاح «مداخله» در زمینه حمایت از مستضعفین چندان متناسب تلقی نمی‌شود؛ زیرا این واژه بیشتر دارای بار سیاسی و سلطه‌گرایانه است. از این رو، مناسب‌ترین تعبیر در اندیشه اسلامی، اصطلاح «حمایت» یا «دفاع از مستضعفین» است؛ چراکه این مفهوم، ماهیت ارزشی، اخلاقی و انسان‌دوستانه این اصل را بهتر نمایان می‌سازد. درواقع، حمایت از مستضعفان در اسلام نه به معنای سلطه یا دخالت در امور دیگران، بلکه به مفهوم مسئولیت‌پذیری اخلاقی و دینی درقبال انسان‌های آسیب‌دیده، مظلوم و محروم است (Javid & Mohammadi, 2013: 65).

۴.۳.۶. اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت اجتماعی یکی از ارزش‌های محوری در جوامع انسانی به شمار می‌آید که براساس اصول اخلاقی و اجتماعی استوار است (Hajilouei Moheb & Emami Danaloo, 2025: 252). مجموع آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، انسان را نه تنها در برابر رفتارهای فردی خویش، بلکه درقبال بخش‌های مختلف جامعه نیز مسئول می‌داند. در نگرش اسلامی، انسان موظف است نسبت به گروه‌های گوناگون اجتماعی از جمله خانواده (Qur'an, 66:6)، خویشاوندان (Qur'an, 4:2)، اهل شهر و جامعه (Nahj al-Balagha, Sermon 167)، همکیشان (Kulaini, 1407 AH: 2/164) و حتی همه افراد جامعه انسانی احساس مسئولیت داشته باشد. از این رو، مسئولیت اجتماعی در اسلام مفهومی فراگیر و همه‌جانبه است که ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی و انسانی را دربرمی‌گیرد.

در متون دینی، به ویژه قرآن کریم، مفهوم مسئولیت اجتماعی به صورت آشکار مورد تأکید قرار گرفته است. آیاتی از قرآن کریم بر ضرورت تعاون، همیاری اجتماعی، مقابله با فساد و رعایت حقوق دیگران دلالت دارند (Qur'an, 7:155, 7:173; 8:25-27). همچنین خداوند در آیه دوم سوره مائده می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ یعنی در نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید. با توجه به اینکه «بر» به معنای ایمان به خداوند و روز آخرت و «تقوا» به معنای رعایت حدود و چارچوب‌های الهی است، می‌توان نتیجه گرفت که جامعه اسلامی باید برپایه ایمان، عمل صالح و مسئولیت‌پذیری جمعی شکل گیرد و این همان مفهوم «تقوای اجتماعی» است (Tabataba'i, 2013: 163).

در روایات اسلامی نیز بر مسئولیت اخلاقی و اجتماعی انسان تأکید فراوان شده است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «خلق خدا عیال او هستند و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که بیشترین سود و خیر را به بندگان خدا برساند» (Ibn Hayyun, 1385 AH: 2/320؛ Kulaini, 1407 AH: 2/164؛ Hamiri, 1413 AH: 120). همچنین امیرالمؤمنین امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «از خدا درباره بندگان و شهرهای او پروا کنید؛ زیرا شما حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات نیز مسئول هستید» (Nahj al-Balagha, Sermon 167). این بیان نشان می‌دهد که در اندیشه اسلامی، مسئولیت اجتماعی تنها محدود به انسان‌ها نیست، بلکه شامل محیط‌زیست، شهر، منابع طبیعی و همه ابعاد حیات اجتماعی می‌شود.

۴.۳.۷. اصل منع تبعیض

اصل منع تبعیض یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاقی و حقوقی در اندیشه اسلامی و از ارکان اساسی عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود. در نگرش اسلامی، همه انسان‌ها از حیث کرامت ذاتی، ارزش انسانی و حقوق اجتماعی برابر آفریده شده‌اند و هیچ‌گونه برتری نژادی، قومی، زبانی، طبقاتی یا اقتصادی نمی‌تواند موجب محرومیت افراد از حقوق انسانی و اجتماعی آنان شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (Qur'an, 49:13). براساس این آیه، معیار برتری انسان‌ها نه وابستگی‌های قومی و اجتماعی، بلکه تقوا و شایستگی اخلاقی است. برابری و رهایی از تبعیض در زمره اصول پایه‌ای قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌شمار می‌آید که براساس آن، همه انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تمایزی حق برخورداری از حقوق برابر را دارند. برای از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری، نهضت‌های فمینیستی و اقلیت‌ها همواره بشر را در طول تاریخ از نابرابری‌های ظالمانه‌ای که موجب فقر و درماندگی اجتماعی و اقتصادی عده زیادی از شهروندان شده، رنج برده و همواره درصدد حذف این امتیازات تبعیض‌آمیز بوده‌اند. نهادها و اندیشمندان فکری نیز تلاش کرده‌اند به‌گونه‌ای این تبعیض‌ها را از بین ببرند. به‌طوری‌که برخی از اندیشمندان، مهم‌ترین علت انقلاب‌ها را وجود تبعیض در جامعه بیان کرده‌اند. از این‌رو، همواره تلاش‌هایی برای رفع تبعیض از جامعه و برقراری عدالت و مساوات صورت گرفته که این امر را می‌توان در جنبش‌های گوناگونی که برای زدودن تبعیض و نابرابری از سیمای جوامع انسانی شکل گرفته است، مشاهده نمود (Ansari et al, 2020: 3).

اصل منع تبعیض در مدیریت شهری اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا شهر محل تجمع گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و هرگونه تبعیض فضایی، اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز نابرابری، محرومیت و گسترش آسیب‌های اجتماعی شود. بر این اساس، مدیریت شهری اسلامی موظف است در توزیع خدمات شهری، امکانات عمومی، امدادسانی، بازسازی و حمایت‌های اجتماعی، عدالت و برابری را رعایت نموده و از ایجاد شکاف‌های اجتماعی جلوگیری کند.

۴.۳.۸. جمع‌بندی نظری اصول اخلاقی

در جدول شماره ۴ جمع‌بندی نظری اصول اخلاقی مرتبط با مدیریت شهری اسلامی در شرایط بحران ارائه گردیده است. در این جدول برای هر یک از اصول اخلاقی تبیین شده، محور اخلاقی و دلالت برای مدیریت شهری اسلامی نیز تدوین شده است.

جدول ۴. جمع‌بندی نظری اصول اخلاقی مرتبط با مدیریت شهری اسلامی در شرایط بحران

اصل اخلاقی	تعریف و مبنای نظری	محور اخلاقی	دلالت برای مدیریت شهری اسلامی
عدالت	قرار دادن هر چیز در جای خود و رعایت حقوق افراد بدون تبعیض؛ از بنیادی‌ترین ارزش‌های اخلاق اسلامی و شرط مشروعیت حکمرانی	حق‌مداری و انصاف	توزیع عادلانه خدمات، امکانات، منابع و حمایت‌ها میان همه شهروندان
احسان	فراتر رفتن از حد عدالت و انجام خیر داوطلبانه برای رفع نیاز دیگران	ایثار و گذشت	حمایت مضاعف از آسیب‌دیدگان و توجه به نیازهای فراتر از الزامات قانونی
خیرخواهی	اهتمام به تأمین منفعت عمومی و جلوگیری از آسیب به دیگران	منفعت عمومی	تصمیم‌گیری با محوریت رفاه و مصلحت شهروندان
کرامت انسانی	برخورداری ذاتی همه انسان‌ها از منزلت و احترام فارغ از جایگاه اجتماعی، اقتصادی یا قومی	احترام به انسان	حفظ شأن شهروندان در فرایند امدادسانی، اسکان، جبران خسارت و بازسازی
حمایت از مستضعفین	حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم به‌عنوان یک تکلیف اجتماعی و دینی	عدالت حمایتی	اولویت‌بخشی به نیازهای اقشار کم‌برخوردار، سالمندان، کودکان و افراد آسیب‌پذیر
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تعهد افراد و نهادها نسبت به آثار تصمیمات و عملکرد خود بر جامعه	پاسخگویی و تعهد	پاسخگویی مدیریت شهری در برابر شهروندان و پذیرش مسئولیت پیامدهای تصمیمات
منع تبعیض	نفی هرگونه تفاوت‌گذاری ناروا براساس قومیت، مذهب، جنسیت، طبقه اجتماعی یا محل سکونت	برابری انسانی	ارائه خدمات و حمایت‌های شهری بدون تبعیض و برپایه نیاز واقعی

جدول شماره ۴، اصول اخلاقی، بنیان‌های ارزشی و هنجاری مدیریت شهری اسلامی را در شرایط بحرانی تبیین می‌نماید. این اصول شامل عدالت، احسان، خیرخواهی، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض هستند که هر یک بخشی از الزامات اخلاقی حکمرانی شهری را شکل می‌دهند.

۴.۴. ترجمان فضایی و مدیریتی مبانی فقهی و اخلاقی در شهر اسلامی

مدیریت شهری اسلامی صرفاً مجموعه‌ای از سازوکارهای اجرایی برای اداره شهر نیست، بلکه تجلی عینی نظام ارزشی اسلام در سازمان فضایی، اجتماعی و مدیریتی شهر محسوب می‌شود. از این منظر، قواعد فقهی و اصول اخلاقی تنها در سطح احکام فردی باقی نمی‌مانند، بلکه به شاخص‌هایی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای شهری تبدیل می‌شوند. درواقع، شهر اسلامی عرصه‌ای است که در آن مفاهیمی همچون عدالت، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حفظ حقوق عمومی و جلوگیری از ضرر، در قالب نهادها، خدمات، زیرساخت‌ها و تصمیمات مدیریتی نمود می‌یابند. قواعد فقهی نظیر لاضرر، اتلاف، تسبیب، نفی عسرو حرج و حفظ نظام، چارچوب حقوقی و مسئولیتی مدیریت شهری را شکل می‌دهند. این قواعد مدیران شهری را ملزم می‌سازند که از ایجاد یا تشدید آسیب‌های اجتماعی و کالبدی جلوگیری کرده، امنیت و آسایش شهروندان را تأمین نموده و شرایط بهره‌مندی عادلانه از امکانات شهری را فراهم آورند. در کنار این قواعد، اصول اخلاقی همچون عدالت، احسان، خیرخواهی، حمایت از مستضعفان، رعایت کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، جهت‌گیری ارزشی و انسانی مدیریت شهری را تعیین می‌کنند و مانع تقلیل شهر به یک ساختار صرفاً کالبدی و فنی می‌شوند. بر این اساس، شهر اسلامی را می‌توان نظامی یکپارچه دانست که در آن مبانی فقهی، ضامن حقوق و مسئولیت‌ها و مبانی اخلاقی، تضمین‌کننده کیفیت انسانی تصمیمات و اقدامات مدیریتی هستند. حاصل این تعامل، شکل‌گیری الگوی حکمرانی شهری مبتنی بر عدالت، امنیت، تاب‌آوری، مشارکت اجتماعی و حفظ کرامت انسان است؛ الگویی که می‌تواند مبنای نظری مدیریت شهری در شرایط عادی و بحرانی قرار گیرد.

جدول ۵. چارچوب نظری ترجمان مبانی فقهی و اخلاقی در مدیریت شهری اسلامی

لایه نظری	مبانی فقهی	مبانی اخلاقی	بازتاب در مدیریت شهری اسلامی
مبنای هستی‌شناختی	حفظ نظام و مصالح عمومی	خیرخواهی و احسان	شهر یک امانت الهی و بستری برای تحقق حیات طیبه است، نه صرفاً یک کالبد فیزیکی
مبنای انسان‌شناختی	لاضرر و نفی عسرو حرج	کرامت انسانی و منع تبعیض	انسان محور تصمیم‌گیری‌های شهری است و حفظ شأن، امنیت و آسایش او بر منافع سازمانی مقدم است
مبنای اجتماعی	تسبیب و اتلاف	مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حمایت از مستضعفین	مدیریت شهری در قبال پیامدهای اجتماعی تصمیمات خود مسئول بوده و موظف به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است
مبنای حقوقی	ضمان، جبران خسارت، مسئولیت مدنی	عدالت	حقوق عمومی شهروندان مبنای سیاست‌گذاری و اداره شهر قرار می‌گیرد
مبنای مدیریتی	حفظ نظام و دفع ضرر	امانت‌داری، پاسخگویی و خیر عمومی	مدیریت شهری وظیفه تأمین نظم، امنیت، کارآمدی و منافع عمومی را بر عهده دارد
مبنای فضایی	منع اضرار و رعایت حقوق عمومی	عدالت و کرامت انسانی	سازمان فضایی شهر باید زمینه دسترسی عادلانه، امنیت و کیفیت مناسب زندگی را فراهم سازد
مبنای حکمرانی	مسئولیت شرعی حاکمیت در حفظ مصالح جامعه	مشارکت، عدالت و پاسخگویی	اداره شهر مبتنی بر حکمرانی مسئولانه، مشارکت اجتماعی و رعایت حقوق شهروندان است
غایت نهایی	تحقق مصالح عامه و حفظ نظام اجتماعی	تحقق فضیلت، عدالت و کرامت انسانی	شکل‌گیری شهر اسلامی به‌عنوان محیطی عادلانه، امن، انسانی و پایدار

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که قواعد فقهی و اصول اخلاقی صرفاً مجموعه‌ای از احکام یا توصیه‌های فردی نیستند، بلکه در سطوح مختلف نظری از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی تا حکمرانی و سازمان فضایی شهر حضور دارند. در این چارچوب، فقه اسلامی بیشتر بر تبیین مسئولیت‌ها، حقوق و الزامات مدیریت شهری متمرکز است، در حالی که اخلاق اسلامی جهت‌گیری ارزشی و غایت انسانی این مسئولیت‌ها را تعیین می‌کند. حاصل تعامل این دو منظومه، شکل‌گیری الگوی مدیریت شهری اسلامی است که هدف آن تأمین مصالح عمومی، حفظ کرامت انسان، تحقق عدالت و ایجاد نظم پایدار در شهر است. این چارچوب نظری مبنای تحلیل مسئولیت‌های مدیریت شهری در شرایط بحران و جنگ را فراهم می‌سازد.

۵.۴. مدل مفهومی پژوهش

جمع‌بندی مبانی نظری قواعد فقهی و اصول اخلاقی نشان می‌دهد که قواعد فقهی همچون «لاضرر»، «اتلاف»، «تسبیب»، «حفظ نظام» و «نفی عسرو حرج» مبنای الزام‌آور مسئولیت مدیریت شهری در جلوگیری از آسیب، جبران خسارت‌ها، حفظ نظم عمومی و حمایت از آسیب‌دیدگان جنگ را فراهم می‌نمایند. در کنار مبانی فقهی، اصول اخلاق اسلامی نیز چارچوب ارزشی مدیریت شهری در شرایط جنگی را تبیین می‌کنند. از نظر محقق مفاهیمی همچون عدالت، احسان، خیرخواهی، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، بیانگر آن هستند که مدیریت شهری اسلامی موظف است در فرایند امدادرسانی، بازسازی و توزیع خدمات، به عدالت فضایی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ انسجام اجتماعی توجه نماید. بنابراین، پیوند میان قواعد فقهی و اصول اخلاقی، الگویی از مدیریت شهری اسلامی را ترسیم می‌نماید که هدف آن کاهش آسیب‌های جنگ، بازگرداندن امنیت و آرامش اجتماعی، جبران خسارت‌ها، تقویت تاب‌آوری شهری و تحقق عدالت اجتماعی است. در این الگو مسئولیت مدیریت شهری تنها به بازسازی کالبدی شهر محدود نمی‌شود، بلکه بازسازی اجتماعی، اخلاقی و انسانی جامعه نیز بخشی از وظایف آن تلقی می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. جنگ رمضان (جنگ تحمیلی آمریکایی - صهیونی علیه ایران اسلامی)

جنگ رمضان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بحران‌های امنیتی و شهری معاصر ایران، ابعاد گسترده‌ای از تهدیدات نظامی، زیرساختی، روانی و اجتماعی را متوجه شهرهای کشور، به‌ویژه کلان‌شهر تهران، کرد. این جنگ که در بستر تنش‌های ژئوپلیتیکی میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفت، صرفاً یک درگیری نظامی کلاسیک نبود؛

بلکه نمونه‌ای از جنگ‌های ترکیبی و چندلایه معاصر به‌شمار می‌رفت که علاوه بر حملات فیزیکی، ابعاد رسانه‌ای، روانی، زیرساختی و ادراکی را نیز دربر می‌گرفت. در جریان این جنگ تحمیلی، برخی مراکز شهری، زیرساخت‌های حیاتی، واحدهای مسکونی، مراکز خدماتی و شبکه‌های ارتباطی هدف حملات مستقیم یا غیرمستقیم قرار گرفتند. جنگ رمضان نشان داد که درگیری‌های نوین بیش از آنکه مبتنی بر اشغال سرزمینی باشند، بر اختلال در شبکه‌های حیاتی شهرها، ایجاد فشار روانی بر شهروندان، تضعیف سرمایه اجتماعی و ایجاد بی‌ثباتی در مدیریت شهری متمرکز هستند. حمله به زیرساخت‌های انرژی، حمل‌ونقل، مراکز داده، شبکه‌های ارتباطی و فضاهای مسکونی، بخشی از راهبرد جنگی برای ایجاد بحران در زندگی روزمره شهروندان و کاهش تاب‌آوری شهری بود. در این میان، مدیریت شهری با چالش‌های متعددی در حوزه امدادرسانی، اسکان اضطراری، جبران خسارت‌ها، حفظ امنیت روانی جامعه، تداوم خدمات عمومی و بازسازی زیرساخت‌ها مواجه شد. گستردگی خسارت‌ها و تنوع ابعاد بحران، ضرورت بازنگری در الگوهای مدیریت شهری، تقویت تاب‌آوری شهری، توسعه زیرساخت‌های پدافند غیرعامل و تدوین چارچوب‌های حقوقی و فقهی مرتبط با مسئولیت نهادهای شهری را بیش از پیش آشکار ساخت. از سوی دیگر، جنگ رمضان نشان داد که مدیریت شهری در شرایط بحران صرفاً نهادی خدماتی نیست، بلکه بخشی از ساختار امنیت ملی، انسجام اجتماعی و حکمرانی عمومی کشور محسوب می‌شود. توانایی مدیریت شهری در حفظ نظم، پاسخ‌گویی سریع، حمایت از شهروندان آسیب‌دیده و بازگرداندن آرامش اجتماعی، به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتدار و تاب‌آوری حکومت در شرایط جنگی تبدیل شده است.

۵.۱.۱. خسارت‌های شهری در جنگ رمضان

بررسی اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جنگ رمضان خسارت‌های گسترده‌ای به زیرساخت‌های شهری، واحدهای مسکونی، بناهای تاریخی و بخش‌های اقتصادی وارد کرده است. براساس آمار ارائه‌شده، در شهر تهران حدود ۶۵۰ مورد اصابت ثبت شده و نزدیک به ۴۸ هزار واحد مسکونی در سطوح مختلف آسیب دیده‌اند. در این میان، حدود ۳۸ هزار واحد دچار آسیب‌های جزئی، ۷۳۰۰ واحد نیازمند پایدارسازی، ۸۷۱ واحد نیازمند مقاوم‌سازی و ۱۶۸۷ واحد نیازمند تخریب و نوسازی کامل بوده‌اند. بیشترین میزان خسارت در مناطق ۴ و ۲ شهر تهران گزارش شده است. همچنین ۷۷ بنای تاریخی آسیب‌دیده شناسایی و مستندسازی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز جمعیت، تراکم بالای سکونت، تمرکز زیرساخت‌ها و وابستگی گسترده استان‌ها به خدمات تهران، موجب افزایش شدت آسیب‌پذیری پایتخت در شرایط جنگی شده است.



شکل ۲. خسارت‌های ناشی از جنگ در شهر تهران (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۴۰۵)

شهر تهران در جنگ رمضان صرفاً به‌عنوان یک کلان‌شهر جمعیتی مطرح نبوده، بلکه به‌دلیل تمرکز نهادهای حکمرانی، زیرساخت‌های حیاتی، شبکه‌های اقتصادی و کارکرد نمادین سیاسی، به یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی جنگ تبدیل شده است. مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که در جنگ‌های معاصر، هدف اصلی تنها تصرف سرزمین نیست، بلکه ایجاد اختلال در نظام مدیریت فضا، زیرساخت‌ها و نظم اجتماعی کشورهاست.

براساس دیدگاه متخصصان جغرافیای سیاسی، تمرکزگرایی فضایی در تهران، ضمن تقویت نقش مدیریتی پایتخت، سطح آسیب‌پذیری آن را نیز افزایش داده است.

تمرکز زیرساخت‌های انرژی، حمل‌ونقل، ارتباطات، مراکز داده، خدمات اداری و اقتصادی در تهران سبب می‌شود هرگونه اختلال در این شهر، پیامدهایی فراتر از محدوده جغرافیایی پایتخت ایجاد نماید. همچنین در جنگ‌های جدید، پایتخت‌ها علاوه بر هدف نظامی، به میدان جنگ روانی و رسانه‌ای نیز تبدیل می‌شوند؛ زیرا ایجاد احساس ناامنی در پایتخت می‌تواند بر ادراک عمومی، انسجام ملی و مشروعیت سیاسی دولت‌ها تأثیرگذار باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حفظ نظم شهری، تداوم خدمات عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و مدیریت افکار عمومی، از مهم‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری ژئوپلیتیکی تهران در شرایط جنگی محسوب می‌شود. همچنین کاهش تمرکزگرایی، توسعه مراکز جابگزین و بازآرایی فضایی زیرساخت‌های شهری، از مهم‌ترین راهبردهای افزایش تاب‌آوری شهری در برابر بحران‌های جنگی معرفی شده است.

۵.۱.۲. اقدامات مدیریت شهری اسلامی در جنگ رمضان

مدیریت شهری تهران در مواجهه با جنگ رمضان، مجموعه‌ای از اقدامات فوری، حمایتی و بازسازی را در دستور کار قرار داد. شهرداری تهران هم‌زمان با وقوع بحران، در عملیات مشترک با هلال احمر و سایر نهادهای امدادی مشارکت کرده و اقداماتی نظیر بازگشایی معابر، آواربرداری، اسکان اضطراری، ارزیابی خسارت‌ها و حمایت از آسیب‌دیدگان را انجام داده است. همچنین قرارگاه بازسازی و بازتوانی شهری به‌سرعت تشکیل شده و شیوه‌نامه‌های مربوط به خدمات حمایتی، اجتماعی و بازسازی به بخش‌های اجرایی ابلاغ شده است. شهرداری در فرایند جبران خسارت‌ها، اقداماتی همچون ترمیم واحدهای آسیب‌دیده، صدور برات برای متضرران، تأمین اسکان موقت در هتل‌ها و ارائه خدمات حمایتی را اجرا کرده است.

در حوزه بازسازی، امکان صدور پروانه‌های غیرسیستمی با هدف تسریع در بازسازی فراهم شد و از ظرفیت پیمانکاران مجاز شهرداری برای تعمیر و پایدارسازی ساختمان‌ها استفاده گردید. همچنین برنامه‌ریزی برای ایجاد فضاهای زیرسطحی و پناهگاه‌ها در امتداد خطوط مترو، تدوین دستورالعمل حفاظت پیشگیرانه از بناهای تاریخی و تهیه برنامه راهبردی فضاهای زیرسطحی تهران از دیگر اقدامات مدیریت شهری بوده است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که شهرداری تهران در تلاش بوده است تا از طریق طراحی مدل‌های متنوع اسکان، پرداخت ودیعه، جابه‌جایی تراکم ساختمانی و حمایت‌های مالی، بخشی از نیازهای فوری شهروندان آسیب‌دیده را پاسخ دهد.

به‌عنوان نمونه در سومین جنگ تحمیلی، در نتیجهٔ اصابت‌ها به مناطق شهری استان قم، ۱۳۲۵ واحد مسکونی دچار آسیب شدند که از این میان ۴۵ واحد مسکونی به‌طور کامل تخریب شده و حدود ۱۰۰ واحد نیز خسارت‌های جدی دیده‌اند. در کنار این موارد، ۹۷۱ واحد مسکونی دیگر که در فاصله بیشتری از محل اصابت قرار داشتند، در اثر موج انفجار دچار شکستگی شیشه‌ها و خسارت‌های جزئی شدند. عملیات ترمیم این واحدها به سرعت آغاز شد و تاکنون ۹۱۴ واحد ترمیم و شیشه‌های آن‌ها نصب شده است که بخش عمده این اقدامات توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با اعتبارات دولتی و بخشی نیز با کمک خیرین انجام شده است. همچنین حدود ۵۰۰ واحد مسکونی با آسیب‌های جزئی شامل تخریب تیغه‌ها، آسیب به در و پنجره‌ها یا تجهیزات پشت‌بام مانند کولرها، به‌طور کامل تعمیر شده‌اند. عملیات مرمت سایر واحدهای آسیب‌دیده نیز در مناطق مختلف شهر قم ازجمله میدان رسالت، خیابان سعدی، کارگر، شهدا، بوعلی، دروازه ری و پردیسان ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود روند تحویل واحدهایی که بین ۱۰ تا ۵۰ درصد آسیب دیده‌اند به زودی آغاز شود. درخصوص واحدهای کاملاً تخریب‌شده نیز فرایند بازسازی درحال طی مراحل فنی است و نقشه‌های این واحدها با همکاری سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم تهیه شده و برای برخی خانواده‌ها که تمایل به سکونت در محل قبلی ندارند، زمین در مناطق دیگر شهر پیش‌بینی شده است.

بخشی از خانواده‌ها نیز ترجیح داده‌اند به جای ساخت مسکن، زمین معوض دریافت کنند که مراحل نهایی آن درحال انجام است و به گفته مسئولان، تحویل زمین‌ها و آغاز عملیات ساخت از هفته آینده آغاز خواهد شد.



شکل ۳. خسارت‌های ناشی از جنگ رمضان در شهر قم (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۵)

درمجموع، آنچه در روزهای پس از این حوادث جنگ رمضان در قم شکل گرفته، ترکیبی از همبستگی مردمی، حضور نیروهای جهادی و مشارکت تولیدکنندگان داخلی در بازسازی بوده است، روندی که به گفته مسئولان استانی، باعث شده بخش مهمی از خسارت‌ها در مدت کوتاهی جبران شود و روند بازگشت زندگی عادی به مناطق آسیب‌دیده سرعت بگیرد.

۵.۱.۳. اهمیت مستندسازی خسارت‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مستندسازی خسارت‌های شهری و شخصی، یکی از مهم‌ترین اقدامات مدیریت بحران در شرایط جنگی محسوب می‌شود. مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که ثبت دقیق خسارت‌ها وارده به املاک، زیرساخت‌ها و خدمات شهری، علاوه بر نقش اجرایی، دارای اهمیت حقوقی و قضایی نیز هست. تصاویر، فیلم‌ها و گزارش‌های ثبت‌شده می‌توانند در فرایند دریافت خسارت از بیمه، دریافت کمک‌های حمایتی، تشکیل پرونده‌های حقوقی، ارزیابی مهندسی و حتی پیگیری‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند. همچنین تأکید شد که بخش مهمی از مستندات خسارت‌ها، تنها در ساعات اولیه پس از بحران قابل ثبت است و تأخیر در ثبت آن‌ها، امکان بازبینی دقیق شواهد را کاهش می‌دهد. در همین راستا، پیشنهاد راه‌اندازی سامانه مدیریت بحران مسکن، سامانه ثبت خسارت‌های شهری و پایش زیرساخت‌های پرخطر از سوی برخی متخصصان مطرح شده است تا مدیریت شهری بتواند در شرایط بحران، داده‌های دقیق و قابل استناد را به سرعت جمع‌آوری و سامان‌دهی کند.

۵.۱.۴. سلامت روان در مدیریت بحران جنگ

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای جنگ تنها محدود به خسارت‌های کالبدی و اقتصادی نیست، بلکه سلامت روان شهروندان نیز به شدت تحت تأثیر بحران قرار می‌گیرد. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که اضطراب، افسردگی، احساس ناامنی، اختلال استرس پس از سانحه، سوگ و انزوای اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای روانی جنگ محسوب می‌شوند. در این میان، کودکان، سالمندان، افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای و خانواده‌های داغدار بیش از سایر گروه‌ها در معرض آسیب‌های روانی قرار دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت‌های روانی - اجتماعی باید در تمامی مراحل مدیریت بحران، از آمادگی پیش از بحران تا بازتوانی پس از آن، مورد توجه قرار گیرد. ایجاد محیط‌های امن، ارائه خدمات مشاوره، آموزش کمک‌های اولیه روان‌شناختی، تقویت همبستگی اجتماعی و حمایت از نیروهای امدادی از جمله اقدامات ضروری در مدیریت بحران‌های جنگی معرفی شده است. همچنین تأکید شد که نحوه اطلاع‌رسانی و ارتباطات بحران، باید همراه با همدلی، احترام و امیدآفرینی باشد تا بتواند به کاهش اضطراب عمومی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی کمک کند.

۵.۱.۵. مسئولیت‌های حقوقی مدیریت شهری در جبران خسارت‌های جنگ

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده، خلأ حقوقی موجود در زمینه جبران خسارت‌های جنگی و تعیین حدود مسئولیت نهادهای مختلف، به‌ویژه مدیریت شهری بوده است. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که نظام حقوقی کشور نیازمند تدوین قانون جامع و شفاف برای جبران خسارت‌های شهروندان در شرایط جنگی است.

براساس دیدگاه متخصصان حقوق عمومی، مسئولیت اصلی جبران خسارت‌های جنگی بر عهده دولت متجاوز است؛ اما به دلیل طولانی بودن فرایندهای حقوق بین‌الملل، حکومت اسلامی موظف است برای حفظ نظم عمومی، امنیت اجتماعی و حمایت از شهروندان، در کوتاه‌مدت خسارت‌های وارد شده را از محل بیت‌المال جبران نماید. در این میان، شهرداری به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در مدیریت شهری، نقش مهمی در برآورد خسارت‌ها، ثبت و مستندسازی آسیب‌ها، سازمان‌دهی حمایت‌های اولیه و مدیریت بازسازی ایفا می‌نماید. همچنین تأکید شد که مسئولیت مستقیم شهرداری در جبران خسارت‌ها زمانی مطرح می‌شود که قصور یا تقصیر این نهاد احراز گردد.

۵.۲. مسئولیت‌های فقهی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با بحران‌های جنگی، صرفاً نهادی اجرایی برای اداره خدمات شهری نیست، بلکه دارای مسئولیت‌های شرعی، اجتماعی و انسانی گسترده‌ای در قبال شهروندان، زیرساخت‌های شهری و نظم عمومی جامعه است. در فقه اسلامی، قواعدی همچون «لاضرر»، «نفي عسرو حرج»، «حفظ نظام»، «اتلاف» و «تسبیب» ظرفیت بالایی برای تبیین حدود و ابعاد مسئولیت مدیریت شهری در شرایط جنگی دارند. این قواعد، ضمن ایجاد پشتوانه شرعی برای اقدامات مدیریت بحران، مبنای الزام نهادهای شهری به حمایت از آسیب‌دیدگان، کاهش خسارت‌ها، تأمین امنیت عمومی و بازسازی شهر را فراهم می‌کنند.

جنگ رمضان نشان داد که بحران‌های معاصر تنها به تخریب فیزیکی محدود نیستند، بلکه ابعاد گسترده‌ای از ناامنی روانی، اختلال در خدمات شهری، آسیب به سرمایه اجتماعی، بحران مسکن، اختلال زیرساختی و بی‌ثباتی فضایی را نیز دربرمی‌گیرند. از این‌رو، مدیریت شهری اسلامی موظف است با تکیه بر مبانی فقهی، رویکردی فعال، پیشگیرانه و عدالت‌محور در مواجهه با بحران‌های جنگی اتخاذ نماید.

• قاعده لاضرر و مسئولیت جلوگیری از تشدید خسارت‌های شهری

قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» یکی از بنیادی‌ترین قواعد فقهی در حوزه مدیریت بحران و مسئولیت اجتماعی است. در حوزه مدیریت شهری، این قاعده مدیریت شهری را موظف می‌کند که از هرگونه اقدام یا ترک فعل منجر به افزایش خسارت‌های جنگی جلوگیری نماید. در جنگ رمضان، بخش مهمی از مسئولیت مدیریت شهری مبتنی بر پیشگیری از گسترش آسیب‌ها بود؛ از جمله جلوگیری از ریزش ساختمان‌های نیمه‌تخریب‌شده، مدیریت ایمنی معابر، جلوگیری از اختلال در شبکه آب، برق و گاز و کنترل بحران‌های ثانویه نظیر آتش‌سوزی، ازدحام یا ناامنی شهری. همچنین کوتاهی در امدادرسانی، تأخیر در اسکان اضطراری یا ضعف در اطلاع‌رسانی عمومی می‌تواند مصداق «اضرار به مردم» تلقی شود. بر همین اساس، مدیریت شهری اسلامی موظف است سامانه‌های هشدار سریع، پایش ایمنی ساختمان‌ها، پناهگاه‌های شهری، آموزش عمومی بحران و زیرساخت‌های پدافند غیرعامل را توسعه دهد تا احتمال ورود ضرر به شهروندان کاهش یابد.

• قاعده نفي عسرو حرج و مسئولیت حمایت از آسیب‌دیدگان

قاعده «نفي عسرو حرج» بر رفع دشواری‌ها و مشقت‌های غیرمترعارف از زندگی مردم تأکید دارد. در شرایط جنگی، شهروندان با مشکلات گسترده‌ای همچون بی‌خانمانی، ناامنی روانی، اختلال معیشتی، فقدان خدمات اولیه و بحران‌های اجتماعی مواجه می‌شوند. از منظر فقه اسلامی، مدیریت شهری موظف است از طریق سیاست‌های حمایتی، بخشی از این دشواری‌ها را کاهش دهد. اقداماتی نظیر اسکان اضطراری، پرداخت کمک‌هزینه، جبران خسارت‌ها، ارائه خدمات روان‌شناختی، تسهیل صدور مجوزهای بازسازی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، از مهم‌ترین مصادیق اجرای این قاعده در مدیریت شهری جنگ رمضان بوده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت از مستأجران، سالمندان، کودکان، افراد کم‌توان و خانواده‌های آسیب‌دیده باید در اولویت سیاست‌های مدیریت بحران قرار گیرد؛ زیرا این گروه‌ها بیش‌از سایرین در معرض عسرو حرج اجتماعی و اقتصادی قرار دارند.

• قاعده حفظ نظام و ضرورت تداوم کارکرد شهر

قاعده «حفظ نظام» از مهم‌ترین مبانی فقه حکومتی در اسلام است و بر ضرورت حفظ نظم عمومی، امنیت اجتماعی و جلوگیری از فروپاشی ساختارهای حیاتی جامعه تأکید دارد. در شرایط جنگی، اختلال در عملکرد شهر می‌تواند امنیت ملی، انسجام اجتماعی و آرامش عمومی را تهدید نماید. براساس این قاعده، مدیریت شهری موظف است حتی در شدیدترین شرایط بحران، تداوم خدمات عمومی نظیر حمل‌ونقل، امدادسانی، جمع‌آوری پسماند، تأمین آب و انرژی، امنیت معابر و مدیریت ترافیک را حفظ نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهرداری تهران با تشکیل قرارگاه بازسازی و بازتوانی، مشارکت در عملیات امدادی، بازگشایی معابر و سازمان‌دهی اسکان اضطراری، تلاش کرده است از اختلال گسترده در نظم شهری جلوگیری نماید. همچنین توسعه فضاهای زیرسطحی، طراحی پناهگاه‌های شهری، توزیع فضایی زیرساخت‌ها و کاهش تمرکزگرایی در تهران، از مهم‌ترین راهبردهای مرتبط با اصل حفظ نظام در مدیریت شهری اسلامی محسوب می‌شود.

. قاعده اتلاف و جبران خسارت‌های عمومی و خصوصی

قاعده «اتلاف» بر این اصل استوار است که هرکس موجب تلف شدن مال یا حقوق دیگری شود، ضامن جبران خسارت خواهد بود. هرچند عامل اصلی خسارت‌های جنگی، دولت یا نیروی متجاوز است، اما در شرایط بحران، حکومت اسلامی و نهادهای عمومی وظیفه دارند برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی و حمایت از مردم، فرایند جبران خسارت‌ها را سامان‌دهی نمایند. براساس یافته‌های پژوهش، مدیریت شهری در جنگ رمضان اقداماتی همچون برآورد خسارت‌ها، ثبت آسیب‌ها، پرداخت کمک‌های حمایتی، بازسازی واحدهای مسکونی و سامان‌دهی اسکان موقت را انجام داده است. همچنین پیشنهاد تدوین قانون جامع جبران خسارت‌های جنگی، یکی از مهم‌ترین مطالبات متخصصان حقوق شهری بوده است.

از منظر فقهی، جبران خسارت‌ها تنها به ابعاد مالی محدود نمی‌شود، بلکه خسارت‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین حمایت از سلامت روان، بازسازی فضاهای عمومی، احیای بناهای تاریخی و تقویت سرمایه اجتماعی نیز بخشی از مسئولیت‌های جبرانی مدیریت شهری محسوب می‌شود.

. قاعده تسبیب و مسئولیت ناشی از ترک فعل یا ضعف مدیریتی

قاعده «تسبیب» بیان می‌کند که هرکس زمینه ورود خسارت را فراهم نماید، حتی اگر مباشر اصلی نباشد، درقبال خسارت‌ها مسئول است. این قاعده در حوزه مدیریت شهری اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بسیاری از آسیب‌های جنگی ممکن است ناشی از ضعف زیرساختی، نبود آمادگی شهری، فقدان پناهگاه، تراکم نامتوازن شهری یا ضعف مدیریت بحران باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز شدید زیرساخت‌ها و جمعیت در تهران، آسیب‌پذیری شهر را افزایش داده است. همچنین نبود ذخایر راهبردی مسکن، ضعف سامانه‌های بحران بازار مسکن و کمبود برنامه‌های پیشگیرانه، بخشی از مشکلات مدیریت بحران جنگ رمضان بوده است. براساس قاعده تسبیب، مدیریت شهری موظف است پیش از وقوع بحران، اقدامات پیشگیرانه لازم را انجام دهد؛ ازجمله:

. مقاومت‌سازی زیرساخت‌ها؛

. توسعه پناهگاه‌های شهری؛

. تدوین سناریوهای بحران؛

. آموزش شهروندان؛

. توزیع متوازن خدمات شهری؛

. ایجاد سامانه‌های هوشمند ثبت خسارت؛

. توسعه بیمه بحران‌های شهری؛

. کاهش تمرکز فضایی جمعیت و خدمات.

درمجموع می‌توان گفت که قواعد فقهی اسلامی، ظرفیت بالایی برای تبیین مسئولیت‌های مدیریت شهری در شرایط جنگی دارند و می‌توانند مبنای تدوین الگوی بومی مدیریت بحران شهری در جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند. در جدول شماره ۶ مسئولیت‌های فقهی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان همراه با مبنای مسئولیت، مصادیق خسارت‌های جنگ رمضان، اقدامات مدیریت شهری و راهبردهای پیشنهادی به‌طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۶. مسئولیت‌های فقهی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان

قاعده فقهی	مبنای مسئولیت	مصادیق خسارت‌های جنگ	اقدامات مدیریت شهری	راهبردهای پیشنهادی
رمضان				
لاضرر	جلوگیری از ورود یا تشدید ضرر	ریزش ساختمان‌ها، اختلال خدمات شهری، ناامنی معابر	آواربرداری، ایمن‌سازی، بازگشایی معابر، امدادرسانی	توسعه پدافند غیرعامل، سامانه هشدار سریع، آموزش بحران
نفی عسرو حرج	کاهش سختی و مشقت شهروندان	بی‌خانمانی، فشار روانی، بحران معیشتی	اسکان اضطراری، حمایت روانی، کمک‌هزینه بازسازی	ایجاد صندوق حمایت شهری، ذخیره مسکن اضطراری
حفظ نظام	حفظ نظم و امنیت عمومی	اختلال حمل‌ونقل، بی‌ثباتی اجتماعی، بحران خدمات	تشکیل قرارگاه بحران، تداوم خدمات شهری	توسعه تاب‌آوری شهری، تمرکززدایی زیرساختی
اتلاف	جبران خسارت‌های وارد شده	تخریب منازل، آسیب زیرساخت‌ها، خسارت‌های اقتصادی	برآورد خسارت، پرداخت حمایت مالی، بازسازی	قانون جامع جبران خسارت‌های جنگی، بیمه شهری
تسبیب	مسئولیت ناشی از ایجاد زمینه خسارت	تراکم شهری، ضعف پناهگاه‌ها، کمبود آمادگی	پایش ایمنی، مدیریت بحران، مستندسازی	مقاوم‌سازی شهری، توسعه زیرساخت‌های ایمن

۵.۳. مسئولیت‌های اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان

در اندیشه اسلامی، مدیریت شهری نوعی امانت اجتماعی محسوب می‌شود که باید برپایه ارزش‌هایی همچون عدالت، احسان، خیرخواهی، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض عمل نماید. جنگ رمضان نشان داد که در شرایط بحران، میزان موفقیت مدیریت شهری صرفاً با شاخص‌های فنی و کالبدی سنجیده نمی‌شود، بلکه نحوه مواجهه اخلاقی با مردم، میزان همدلی، عدالت در توزیع خدمات و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر نیز از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی حکمرانی شهری است.

عدالت و مسئولیت توزیع عادلانه خدمات و امکانات

اصل عدالت یکی از بنیادی‌ترین اصول اخلاق اسلامی است و در مدیریت شهری به معنای توزیع منصفانه خدمات، امکانات، منابع و حمایت‌ها در میان همه شهروندان بدون تبعیض است. در شرایط جنگی، احتمال نابرابری در دسترسی به خدمات امدادی، اسکان، بازسازی و حمایت‌های مالی افزایش می‌یابد؛ از این رو مدیریت شهری موظف است عدالت فضایی و اجتماعی را در فرایند مدیریت بحران رعایت کند. در جنگ رمضان، ضرورت توزیع عادلانه امکانات امدادی، اولویت‌بندی مناطق آسیب‌دیده، حمایت از مستأجران و ساکنان بافت‌های فرسوده و جلوگیری از تمرکز خدمات در مناطق خاص، از مهم‌ترین مصادیق مسئولیت اخلاقی مدیریت شهری بود. همچنین عدالت اقتضا می‌کند که فرایند ارزیابی خسارت‌ها و پرداخت حمایت‌ها شفاف، سریع و مبتنی بر نیاز واقعی شهروندان باشد.

احسان و ضرورت فراتر رفتن از وظایف اداری

در اخلاق اسلامی، احسان به معنای انجام نیکی فراتر از تکلیف قانونی است. بر این اساس، مدیریت شهری اسلامی نباید صرفاً به انجام حداقل وظایف اداری اکتفا کند، بلکه موظف است در شرایط بحران با رویکردی انسانی و همدلانه در کنار مردم قرار گیرد. ارائه خدمات روان‌شناسی، حمایت اجتماعی از خانواده‌های آسیب‌دیده، تسهیل امور اداری، اسکان مناسب، رسیدگی ویژه به کودکان و سالمندان و ایجاد فضاهای امن اجتماعی، از مصادیق احسان در مدیریت شهری جنگ رمضان محسوب می‌شود. این اصل نشان می‌دهد که مدیریت شهری اسلامی باید علاوه بر بازسازی فیزیکی، به ترمیم روحیه و آرامش روانی جامعه نیز توجه داشته باشد.

خیرخواهی و صیانت از منافع عمومی

اصل خیرخواهی بر تلاش برای تأمین منفعت عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی تأکید دارد. در شرایط جنگی، مدیریت شهری باید همه تصمیمات و سیاست‌های خود را بر مبنای حفظ منافع عمومی، آرامش اجتماعی و کاهش آسیب‌پذیری شهروندان اتخاذ کند. براساس یافته‌های پژوهش، حفظ خدمات عمومی، جلوگیری از اختلال گسترده در حمل‌ونقل، مدیریت صحیح اطلاع‌رسانی، جلوگیری از احتکار مسکن و کنترل بحران‌های روانی و اجتماعی، از مهم‌ترین مصادیق خیرخواهی در مدیریت شهری بحران زده است.

همچنین توسعه زیرساخت‌های ایمن و افزایش تاب‌آوری شهری، بخشی از مسئولیت خیرخواهانه مدیریت شهری در برابر نسل‌های آینده محسوب می‌شود.

رعایت کرامت انسانی و حفظ شأن شهروندان آسیب‌دیده

در اندیشه اسلامی، کرامت انسانی حقی ذاتی و غیرقابل سلب است. بر این اساس، حتی در شدیدترین بحران‌ها نیز نباید شأن، حرمت و منزلت انسان‌ها نادیده گرفته شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نحوه برخورد مدیریت شهری با آسیب‌دیدگان، اسکان اضطراری، اطلاع‌رسانی عمومی و توزیع خدمات، تأثیر مستقیمی بر احساس کرامت یا تحقیر شهروندان دارد. در جنگ رمضان، رعایت کرامت انسانی اقتضا می‌کرد که اسکان اضطراری با حفظ حریم خصوصی افراد انجام شود، خدمات حمایتی بدون رفتار تحقیرآمیز ارائه گردد و خانواده‌های آسیب‌دیده در فرایند تصمیم‌گیری و بازسازی مشارکت داده شوند. همچنین حمایت روانی از قربانیان جنگ و پرهیز از انتشار تصاویر آسیب‌زا یا تحقیرکننده در رسانه‌ها، بخشی از الزامات اخلاقی مدیریت شهری محسوب می‌شود.

حمایت از مستضعفین و اولویت‌بخشی به گروه‌های آسیب‌پذیر

در مبانی اسلامی، حمایت از مستضعفین یکی از وظایف اصلی حکومت اسلامی است. در شرایط جنگی، اقشار ضعیف جامعه بیش از دیگران در معرض آسیب قرار می‌گیرند؛ زیرا توان مالی، اجتماعی و روانی کمتری برای جبران خسارت‌ها دارند. براساس یافته‌های پژوهش، مستأجران، سالمندان، کودکان، زنان سرپرست خانوار، افراد دارای معلولیت و ساکنان بافت‌های فرسوده، از مهم‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیر در جنگ رمضان بودند. بنابراین مدیریت شهری موظف است در توزیع خدمات، اسکان، بازسازی و حمایت‌های اقتصادی، این گروه‌ها را در اولویت قرار دهد. همچنین ایجاد ذخایر راهبردی مسکن، حمایت از بازار اجاره، توسعه خدمات رایگان سلامت روان و حمایت معیشتی از خانوارهای آسیب‌دیده، از مهم‌ترین الزامات اخلاقی در حمایت از مستضعفین است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پاسخ‌گویی مدیریت شهری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مدیریت شهری اسلامی به معنای پاسخ‌گویی، شفافیت، حضور میدانی و تعهد نسبت به مشکلات مردم است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط بحران، اعتماد عمومی به میزان پاسخ‌گویی نهادهای شهری وابسته است. در جنگ رمضان، اقداماتی نظیر حضور میدانی شهرداری، ثبت خسارت‌ها، مستندسازی، اطلاع‌رسانی عمومی، تشکیل قرارگاه بازسازی و مشارکت در امدادرسانی، از مصادیق مسئولیت‌پذیری اجتماعی مدیریت شهری بود. همچنین مدیریت شهری موظف است تجربیات بحران را مستندسازی کرده و به سیاست‌های دائمی و قوانین اجرایی تبدیل کند تا آمادگی شهر در بحران‌های آینده افزایش یابد.

منع تبعیض و برابری در برخورداری از حمایت‌های شهری

اصل منع تبعیض بر برابری همه شهروندان در بهره‌مندی از خدمات و حقوق عمومی تأکید دارد. در شرایط بحران، احتمال تبعیض در ارائه خدمات به مناطق مختلف، گروه‌های اجتماعی یا طبقات اقتصادی افزایش می‌یابد. مدیریت شهری اسلامی موظف است بدون توجه به طبقه اجتماعی، قومیت، جنسیت یا موقعیت اقتصادی افراد، خدمات حمایتی و امدادی را به صورت برابر ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توزیع نابرابر امکانات می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی اجتماعی، افزایش تنش‌های شهری و تضعیف سرمایه اجتماعی شود. از این رو، شفافیت در ارزیابی خسارت‌ها، دسترسی برابر به اسکان اضطراری، عدالت در بازسازی و نظارت عمومی بر فرایند توزیع خدمات، از مهم‌ترین الزامات اصل منع تبعیض است.

در مجموع می‌توان گفت اصول اخلاق اسلامی، چارچوبی جامع برای مدیریت انسانی، عادلانه و مسئولانه بحران‌های جنگی فراهم می‌نماید. بر این اساس، مدیریت شهری اسلامی موظف است علاوه بر بازسازی زیرساخت‌ها، به حفظ کرامت انسان‌ها، کاهش رنج اجتماعی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، تحقق عدالت فضایی و تقویت سرمایه اجتماعی نیز توجه نماید. درواقع، موفقیت مدیریت شهری در شرایط جنگی تنها به میزان بازسازی کالبدی وابسته نیست، بلکه به توانایی آن در حفظ اعتماد عمومی، آرامش اجتماعی و منزلت انسانی شهروندان نیز بستگی دارد.

بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان **بشپان** ۳۳

در جدول شماره ۷ مسئولیت‌های اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان همراه با مصادیق در جنگ رمضان، الزامات و اقدامات مدیریت شهری و راهبردهای پیشنهادی به‌طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۷. مسئولیت‌های اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان				
اصل اخلاقی	مفهوم در مدیریت شهری اسلامی	مصادیق در جنگ رمضان	الزامات و اقدامات مدیریت شهری	راهبردهای پیشنهادی
عدالت	توزیع منصفانه خدمات و منابع	توزیع اسکان و خدمات امدادی	ارزیابی عادلانه خسارت‌ها، عدالت قضایی	سامانه شفاف توزیع خدمات
احسان	فراتر رفتن از تکلیف اداری	خدمات روانی و حمایت اجتماعی	اسکان انسانی، حمایت از خانواده‌ها	توسعه خدمات روانی اجتماعی
خیرخواهی	تأمین منافع عمومی	حفظ آرامش و خدمات شهری	مدیریت صحیح بحران و اطلاع‌رسانی	تقویت تاب‌آوری اجتماعی
کرامت انسانی	حفظ شأن و منزلت انسان	اسکان محترمانه و حمایت روانی	حفظ حریم خصوصی آسیب‌دیدگان	منشور کرامت در بحران
حمایت از مستضعفین	اولویت حمایت از اقشار ضعیف	حمایت از مستأجران و سالمندان	کمک معیشتی و اسکان ویژه	ذخیره راهبردی مسکن
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	پاسخ‌گویی و تعهد عمومی	حضور میدانی و ثبت خسارت‌ها	شفافیت و پاسخ‌گویی عمومی	بانک اطلاعات بحران شهری
منع تبعیض	برابری در برخورداری از خدمات	جلوگیری از تبعیض منطقه‌ای	توزیع برابر خدمات و حمایت‌ها	نظام نظارت عدالت‌محور

۴.۵. نمودار نهایی پژوهش

شکل شماره ۳، نمودار نهایی پژوهش را برای تبیین مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان نشان می‌دهد. در بخش نخست، شرایط و زمینه‌های بحران شامل جنگ، تخریب زیرساخت‌ها، آسیب‌های روانی و اختلال در خدمات شهری تبیین شده است. سپس مبانی نظری پژوهش در دو محور مبانی فقهی و اصول اخلاق اسلامی ارائه شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف، تسبیب، حفظ نظام و نفی عسرو حرج، در کنار اصول اخلاقی مانند عدالت، احسان، خیرخواهی، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، پایه‌های نظری مدیریت شهری اسلامی را تشکیل می‌دهند. در ادامه، مدل نشان می‌دهد که این مبانی چگونه به مجموعه‌ای از مسئولیت‌های عملی مدیریت شهری از جمله حفظ نظم عمومی، تداوم خدمات شهری، جبران خسارت‌ها، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، رعایت عدالت قضایی و تأمین امنیت و کرامت شهروندان در شرایط جنگی منجر می‌شوند. در بخش بعدی، راهبردها و الزامات اجرایی نظیر مستندسازی خسارت‌ها، توسعه زیرساخت‌های ایمن، تقویت آمادگی بحران، حمایت روانی و اجتماعی و تمرکززدایی فضایی مطرح شده‌اند. در نهایت، خروجی دیاگرام دستیابی به بازسازی پایدار شهری، افزایش تاب‌آوری، کاهش آسیب‌ها، تقویت عدالت اجتماعی و حفظ انسجام و امنیت جامعه شهری در شرایط بحران و پسا جنگ است.



شکل ۴. نمودار نهایی پژوهش

۶. بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مدیریت شهری در شرایط جنگی، از سطح یک نهاد خدماتی و عمرانی فراتر رفته و به نهادی راهبردی در حفظ انسجام اجتماعی، امنیت روانی و پایداری حیات شهری تبدیل می‌شود. تجربه جنگ رمضان بیانگر آن بود که شهر در جنگ‌های معاصر تنها یک بستر کالبدی برای استقرار جمعیت نیست، بلکه به عرصه‌ای برای اعمال فشار سیاسی، روانی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. در این میان، کلان‌شهر تهران به دلیل تمرکز نهادهای حکمرانی، زیرساخت‌های حیاتی و شبکه‌های ارتباطی، بیش از سایر شهرها در معرض آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی قرار داشته است.

نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین چالش مدیریت شهری در جنگ رمضان، صرفاً بازسازی فیزیکی ساختمان‌های آسیب‌دیده نبود، بلکه مدیریت هم‌زمان بحران کالبدی، بحران روانی و بحران اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا کرده بود. درواقع، آسیب‌های ناشی از جنگ تنها به تخریب بناها محدود نمی‌شود، بلکه احساس ناامنی، اضطراب اجتماعی، اختلال در نظم روزمره زندگی و کاهش اعتماد عمومی را نیز به دنبال دارد. بر همین اساس، یافته‌ها نشان داد که اقداماتی مانند ارائه خدمات روان‌شناختی، اسکان اضطراری، حفظ تداوم خدمات شهری و مدیریت اطلاع‌رسانی، نقش مهمی در کنترل آثار ثانویه بحران داشته‌اند. ازسوی دیگر، نتایج مصاحبه‌ها بیانگر آن بود که تجربه جنگ رمضان، ضعف برخی ساختارهای حقوقی و مدیریتی کشور را نیز آشکار ساخته است. نبود چارچوب قانونی مشخص برای جبران خسارت‌های جنگی، ابهام در حدود مسئولیت نهادهای مختلف، نبود سامانه یکپارچه مستندسازی خسارت‌های و تمرکز بیش از حد زیرساخت‌ها در تهران، از مهم‌ترین چالش‌هایی بود که در یافته‌ها تکرار شد. این مسئله نشان می‌دهد که مدیریت بحران شهری در ایران همچنان بیشتر ماهیتی واکنشی دارد تا پیشگیرانه و ساختارمند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که رویکرد مدیریت شهری در جنگ رمضان به تدریج از مدیریت صرفاً امدادی به سمت بازتوانی اجتماعی و افزایش تاب‌آوری شهری حرکت کرده است. توجه به حمایت‌های روانی - اجتماعی، برنامه‌ریزی برای فضاهای زیرسطحی و پناهگاهی، حمایت از بازار مسکن و تلاش برای ثبت و مستندسازی خسارت‌ها، نشان‌دهنده تغییر نگرش مدیریت شهری از مدیریت کوتاه‌مدت بحران به رویکردی پایدارتر و آینده‌نگر است. این موضوع با مبانی حکمرانی اسلامی نیز هم‌خوانی دارد؛ زیرا در حکمرانی اسلامی، حفظ مصالح عمومی و تأمین امنیت و آرامش جامعه از وظایف اساسی حکومت محسوب می‌شود. یکی دیگر از ابعاد مهم یافته‌ها، مسئله عدالت فضایی و اجتماعی در مدیریت بحران بود. تمرکز آسیب‌ها در برخی مناطق شهری و تفاوت سطح تاب‌آوری محلات مختلف، نشان داد که نابرابری‌های فضایی می‌تواند شدت بحران را افزایش دهد. بر همین اساس، یافته‌ها تأکید می‌کند که مدیریت شهری اسلامی باید فراتر از اقدامات اضطراری، به سمت کاهش نابرابری فضایی، توزیع متوازن زیرساخت‌ها و تقویت ظرفیت‌های محلی حرکت نماید. در غیر این صورت، بحران‌های جنگی می‌توانند شکاف‌های اجتماعی و فضایی شهر را تشدید کنند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، از مهم‌ترین عوامل موفقیت مدیریت شهری در شرایط جنگی هستند. هر میزان که شهروندان احساس نمایند مدیریت شهری با شفافیت، عدالت و مسئولیت‌پذیری عمل می‌کند، میزان مشارکت اجتماعی و همکاری عمومی در مدیریت بحران افزایش می‌یابد. در مقابل، ضعف در اطلاع‌رسانی، تبعیض در توزیع خدمات یا کندی در پاسخ‌گویی می‌تواند به افزایش نارضایتی و تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود. درمجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ رمضان، ضرورت بازتعریف مفهوم مدیریت شهری در شرایط بحران را آشکار ساخته است. مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگی باید تلفیقی از مدیریت کالبدی، مدیریت اجتماعی، مدیریت روانی و حکمرانی اخلاق محور باشد؛ الگویی که علاوه بر بازسازی زیرساخت‌ها، بر حفظ کرامت انسانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت تاب‌آوری شهری نیز تأکید داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی مسئولیت‌های فقهی و اخلاقی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان انجام شد تا با تکیه بر مبانی اسلامی و تحلیل یافته‌های میدانی، چارچوبی برای تبیین وظایف مدیریت شهری در شرایط جنگی ارائه دهد.

نتایج پژوهش نشان داد که فقه اسلامی و اخلاق اسلامی ظرفیت قابل توجهی برای ارائه الگوی بومی مدیریت بحران شهری دارند و می‌توانند مبنای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در شرایط جنگی قرار گیرند.

براساس نتایج، قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف، تسبیب، حفظ نظام و نفی عسرو حرج، مبانی اصلی مسئولیت مدیریت شهری در قبال خسارت‌های جنگی را تشکیل می‌دهند. این قواعد نشان می‌دهند که مدیریت شهری اسلامی موظف است از تشدید خسارت‌ها جلوگیری کرده، زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم سازد و با حفظ نظم عمومی، مانع اختلال در حیات اجتماعی شهر شود. در همین راستا، اقداماتی همچون اسکان اضطراری، بازسازی واحدهای تخریب‌شده، مستندسازی خسارت‌ها، حمایت روانی و تداوم خدمات عمومی، بخشی از مسئولیت‌های فقهی مدیریت شهری محسوب می‌شود. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که اصول اخلاق اسلامی شامل عدالت، احسان، کرامت انسانی، حمایت از مستضعفین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منع تبعیض، نقش اساسی در مدیریت بحران‌های جنگی دارند. بر این اساس، مدیریت شهری اسلامی باید در تمامی مراحل بحران، رویکردی انسان‌محور و عدالت‌گرا داشته باشد و گروه‌های آسیب‌پذیر را در اولویت حمایت قرار دهد.

پژوهش همچنین نشان داد که جنگ‌های معاصر ماهیتی چندبعدی دارند و علاوه بر تخریب کالبدی، زیرساخت‌های اجتماعی، روانی و اقتصادی شهرها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، الگوی مطلوب مدیریت شهری در شرایط جنگی نمی‌تواند صرفاً بر اقدامات عمرانی و امدادی متمرکز باشد، بلکه باید بر ارتقای تاب‌آوری شهری، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های ایمن و افزایش آمادگی نهادی نیز تأکید نماید. براساس یافته‌ها، تدوین قانون جامع جبران خسارت‌های جنگی، ایجاد سامانه یکپارچه ثبت و مستندسازی خسارت‌ها، توسعه فضاهای پناهگاهی، تمرکززدایی از زیرساخت‌های حیاتی و تقویت نظام حمایت روانی و اجتماعی، از مهم‌ترین ضرورت‌های آینده مدیریت شهری کشور است. همچنین بهره‌گیری از تجربیات جنگ رمضان می‌تواند زمینه تدوین الگوی بومی مدیریت بحران شهری مبتنی بر مبانی اسلامی را فراهم سازد.

درنهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت شهری اسلامی در شرایط جنگی، صرفاً مسئول بازسازی فیزیکی شهر نیست، بلکه مسئول حفظ کرامت انسان‌ها، صیانت از عدالت اجتماعی و تقویت پایداری و انسجام جامعه نیز است. از این رو، تلفیق آموزه‌های فقه اسلامی و اخلاق اسلامی با برنامه‌ریزی و حکمرانی شهری، می‌تواند چارچوبی کارآمد برای مواجهه با بحران‌های پیچیده معاصر فراهم آورد.

۸. پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی

- با توجه به یافته‌های پژوهش و در راستای ارتقای کارآمدی مدیریت شهری اسلامی در مواجهه با خسارت‌های جنگ رمضان، مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی در سطوح حقوقی، مدیریتی، اجتماعی و کالبدی ارائه می‌شود:
۱. تدوین قانون جامع جبران خسارت‌های جنگی شهری: ضروری است دولت و مجلس با همکاری نهادهای مدیریت شهری، قانون جامعی برای جبران خسارت‌های ناشی از جنگ تدوین کنند تا حدود مسئولیت دستگاه‌ها، شیوه ارزیابی خسارت‌ها، نحوه تأمین منابع مالی و حقوق شهروندان به صورت شفاف مشخص شود. این قانون باید مبتنی بر اصول عدالت، کرامت انسانی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر باشد؛
 ۲. ایجاد سامانه یکپارچه ثبت و مستندسازی خسارت‌ها: شهرداری‌ها باید سامانه‌ای هوشمند و یکپارچه برای ثبت، پایش و مستندسازی خسارت‌های شهری ایجاد کنند تا اطلاعات مربوط به تخریب زیرساخت‌ها، املاک، خدمات شهری و آسیب‌های اجتماعی به صورت دقیق ثبت شود. این سامانه می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری مدیریتی، پیگیری حقوقی و برنامه‌ریزی بازسازی قرار گیرد؛
 ۳. توسعه زیرساخت‌های پدافند غیرعامل و فضاهای ایمن شهری: گسترش پناهگاه‌های شهری، فضاهای زیرسطحی، مراکز مدیریت بحران محله‌محور و زیرساخت‌های مقاوم در برابر بحران باید در اولویت برنامه‌ریزی شهری قرار گیرد. همچنین لازم است استانداردهای ایمنی و تاب‌آوری در ساخت‌وسازهای شهری بازنگری شود؛

۴. تمرکززدایی از زیرساخت‌ها و خدمات حیاتی: تمرکز شدید نهادهای اداری، اقتصادی و خدماتی در کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران، آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی کشور را افزایش می‌دهد. بنابراین توسعه متوازن منطقه‌ای و انتقال بخشی از زیرساخت‌ها و مراکز حیاتی به سایر شهرها، یکی از راهبردهای مهم افزایش تاب‌آوری ملی محسوب می‌شود؛
۵. تقویت حمایت‌های روانی و اجتماعی در مدیریت بحران: مدیریت شهری باید خدمات سلامت روان، مشاوره اجتماعی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر را به‌عنوان بخشی ثابت از نظام مدیریت بحران در نظر بگیرد. ایجاد تیم‌های حمایت روانی - اجتماعی، آموزش کمک‌های اولیه روان‌شناختی و تقویت سرمایه اجتماعی محلات از اقدامات ضروری در این زمینه است؛
۶. نهادینه‌سازی عدالت فضایی در بازسازی شهری: بازسازی مناطق آسیب‌دیده باید برپایه عدالت فضایی و جلوگیری از تبعیض انجام شود. اولویت‌دهی به محلات کم‌برخوردار، حمایت از مستأجران، سالمندان، کودکان و خانوارهای آسیب‌پذیر، از الزامات مدیریت شهری اسلامی در شرایط بحران است؛
۷. تدوین دستورالعمل‌های فقهی و اخلاقی مدیریت بحران شهری: ضروری است مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مبتنی بر قواعد فقهی و اصول اخلاق اسلامی برای مدیریت شهری در شرایط جنگی و بحران تدوین شود تا مدیران شهری بتوانند در شرایط اضطراری برپایه چارچوبی روشن و بومی تصمیم‌گیری کنند؛
۸. توسعه مشارکت مردمی و مدیریت محله‌محور: تجربه بحران‌ها نشان داده است که مشارکت مردمی نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری شهری دارد. بنابراین لازم است شوراهای محلی، گروه‌های داوطلب، مساجد و نهادهای مردمی در فرایند امدادسانی، اسکان اضطراری، بازسازی و حمایت اجتماعی نقش فعال‌تری ایفا کنند؛
۹. ایجاد صندوق‌های تاب‌آوری و بیمه بحران‌های شهری: ایجاد صندوق‌های ویژه بازسازی و تاب‌آوری شهری و توسعه بیمه‌های مرتبط با بحران‌های جنگی، می‌تواند بخشی از فشار اقتصادی ناشی از خسارت‌ها را کاهش دهد و سرعت بازگشت شهر به شرایط عادی را افزایش دهد؛
۱۰. آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه آمادگی بحران: ارتقای آگاهی عمومی درباره نحوه مواجهه با بحران، مستندسازی خسارت‌ها، اصول ایمنی، کمک‌های اولیه و حفظ انسجام اجتماعی در شرایط جنگی، باید به یکی از محورهای اصلی آموزش شهروندی در مدیریت شهری تبدیل شود.

منابع

- The Holy Quran
- Abdelmalek, H. (2024). Fikh al 'Umrân and Modern Planning Law Challenges of Cohabitation Within of a Hybrid Urbanism. *İslami Araştırmalar*, 35(2), 143 - 168. <https://doi.org/10.62862/isar.2023-99261>
- Abolghasemi, M. (2022). A Study of the Rule of Intercession in Imami Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System. *Contemporary Legal Thought*, 3(1), 17 - 31. <https://doi.org/10.22034/lth.2022.555145.1094> (in persian)
- Aliabadi, M, & Hashemi Toghroljerdi, M. (2011). The necessity of a new approach in regulations of Islamic architecture (A reflection on the effect of the jurisprudential rule of “No Harm” on articles related to visual privacy in the Iranian Civil Code). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 1(1). <https://doi.org/10.30475/isau.2010.61926> (in persian)
- Andalib, H. (2018). Examining and explaining the principles and rules of urban planning from the perspective of Islamic jurisprudence. *Specialized Scientific Quarterly of Alavi Jurisprudential Teachings*, 4(6), 5-26. (in persian)
- Ansari, H. , Nickkhah, R. and Salehi, S. M. (2020). An Investigation of Islamic Thinkers' Views on the Principle of Non - Discrimination. *Jurisprudence and Islamic Law*, 11(20), 1 - 26. <https://doi.org/10.22034/law.2020.12354> (in persian)
- Arief, A, Sultan, L, Amin, A. R. M, Musyahid, A, & Syarif, M. F. (2025). Aligning Fiqh Disaster with Indonesia's Management Disaster Policy: A Maqâsid Methodology Review. *Faculty of Syariah, State Islamic University of Prof. K. H. Saifuddin Zuhri Purwokerto*.

- Babaei, E, Masoud, M, & Mohammadi, M. (2014). Explaining a conceptual framework for the "Islamic city". *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 20(80), 109 – 140. https://method.rihu.ac.ir/article_508.html?lang=fa (in persian)
- Badkoo, B. (2025). Analysis of Fundamental Themes of the Islamic Governance Model in Urban Management: Tehran City. *Iranian Islamic city studies*, vol. 16, no. 59, pp. 87 – 102. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2228639.1404.16.59.6.6> (in persian)
- Baghizadeh, M. J, & Omidifar, A. (2014). The necessity of preserving order and preventing disruption in Imamiyyah jurisprudence. *Shi'ite Studies*, 12(47), 170 – 200. https://www.shiitestudies.com/article_18713.html?lang=fa (in persian)
- Ebrahimi zad Jovaimi, R. & Talashan, F. (2015). The principles of economic ethics in the field of distribution according to the Quran and Hadith. *Journal Of Quranic Knowledge*, 5(17), 125 – 149. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2015.1380> (in persian)
- Fazel Mehr, A. (2017). The rule of negation of hardship and distress from the perspective of jurisprudence and law. In *Proceedings of the National Conference on World Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences*. (in persian)
- Firoozi, M. A, & Sajadian, M. (2018). An Analysis of the Relevance of Good Islamic Urban Governance in the Deepening of Islamic Iranian Progress Model. *Strategy*, 27(2), 87 – 114. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10283102.1397.27.2.4.0> (in persian)
- Habibzadeh, T. and Farajpour Aslemandi, A. (2016). Human Dignity and Reliance of Human Rights and Citizen's Rights Enshrined in The Constitution of The Islamic Republic of Iran on Human Dignity. *Public Law Studies Quarterly*, 46(1), 115 – 137. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2016.57468> (in persian)
- Hajilouei Moheb, M. M. and Emami Danaloo, H. (2025). The Instruction of Social Responsibility in Qur'anic Narratives. *Social Studies of the Quran*, 3(2), 250 – 275. https://qss.basu.ac.ir/article_6118.html (in persian)
- Hamiri, Abdullah ibn Jafar. (1413 AH). *Qurba al – Asnad*. Qom: Ahl al – Bayt (peace be upon them) Foundation. First edition.
- Hasanzadeh, H, Adiby Mehr, M, Dadashnejad Delshad, D, & Baghizadeh, M. J. (2019). The role of the rule of prohibition of detriment in the management of environmental crises. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 7(3), 127–146. <https://doi.org/10.30473/ee.2019.5813> (in persian)
- Hashemi Togholjerdi, S. M. (2016). Assessment and criticism of the decisions of the Supreme Council for Urbanism and Architecture about Islamic identity of Urbanism and Iranian Architecture. *JRIA*. 4(3), 22 – 39. http://jria.iust.ac.ir/article_1_545_fa.html (in persian)
- Hussein, S. H, & Mahmoud, N. A. (2011). The strategies of sustainable urban management in the Islamic city according to binary (the city and power). *Journal of Planner and Development (JPD)*, (24), 18–34. <https://jpd.uobaghdad.edu.iq/index.php/jpd/article/view/147>
- Ibn Hayyun, Numan bin Muhammad al – Maghribi. (1385 AH). *Da'ama al – Islam*. Corrected by Asif Fayzi. Qom: Ahl al – Bayt (peace be upon them) Foundation. Second edition.
- Javid, M. J, & Mohammadi, A. (2013). The relationship of the principle of non – intervention in the contemporary international law and the principle of support of the oppressed in the Islamic law. *Legal Studies (Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University)*, 5(1(8)), 49–88. <https://sid.ir/paper/223569/en> (in persian)
- Karami, R. (2017). Training and development of jurisprudence, motivate religious and moral responsible for interaction with the environment. *Urban Management*, (46), 229–240. http://ijurm.imo.org.ir/article_1_1526_en.html (in persian)
- Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). *Al – Kafi*. Corrected by Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi. Tehran: Dar al – Kutub al – Islami. Fourth edition.
- Maghrebi, H. (2012). Environmental ethical principles from the perspective of Islam. *Quarterly Journal of Medical Ethics*, 3(8), 11–44. <https://doi.org/10.22037/mej.v3i8.3734> (in persian)
- Mahmoudifard, A, & Abbasi, M. (2024). A study on benevolence and its dimensions in human life. In *Proceedings of the National Conference on New Challenges and Solutions in Management, Accounting, and Insurance Industry (Ardabil)*. <https://civilica.com/doc/1798110> (in persian)
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh (Vol. 3)*. Tehran: Dar al – Kotob al – Islamiyah.
- Molaei, A, & Amini kashani, A. (2022). Explaining the dimensions of Islamic jurisprudence and ethics in water management. *Political Organizing of Space*, 4(4), 321–341. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26455145.2022.4.4.5.1> (in persian)

- Pezhvak, F. (2016). Investigating the concept of urban management in the Islamic city from the perspective of religious texts and narrations with a meta – synthesis approach. *Urban and Rural Management*, 15(42), 327–354. http://ijurm.imo.org.ir/article_1_820_fa.html (in persian)
- Golkhatmi, I, & Haghighatbin, M. (2016). The application of jurisprudence in achieving a secure urban landscape. *Shi'ite Studies*, 14(55), 69 – 98. https://www.shiitestudies.com/article_27732.html?lang=fa (in persian)
- Ramli, A, Mokhtar, M, & Abdul Aziz, B. (2014). Revisiting the concept of development, disaster and safety management: The Quranic perspective. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 9, 26–37. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2014.03.006>
- Razi, Seyyed Muhammad ibn Hussain. (1414 AH). *Nahj al – Balagha*. Corrected by Subhi Saleh. Qom: Hijrat. First edition.
- Sadeghi, H, & Asayesh, H. (2016). The need to water market form the perspective of Islamic economics. *mieaoi*; 5 (15) :71 – 92. http://mieaoi.ir/article_1_321_fa.html (in persian)
- Safaei, S, & Abbasi, M. (2016). Examining the principle of beneficence from the perspective of biomedical jurisprudence. *Bioethics Journal*, 3(7), 53–86. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v3i7.13975> (in persian)
- Sattari Sarbangholi, H, & Zabihi, H. (2009). Observation of urban management concepts of the Holy Prophet Mohammad (PBUH) in the city of Medina, the splendid manifestation of urban management in Islamic cities. *The Journal of Productivity Management*, 3(3), 105–146. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27169979.1388.3.3.5.0> (in persian)
- Seifian, M. (1998). The rule of no harm and its observance in the principles of Islamic architecture and urban planning. *The Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, (3), 73–77. https://journals.ut.ac.ir/article_13683_1363.html (in persian)
- Shahabadi, A, & Jameh Bozorgi, A. (2013). Theory of Good Governance from Imam Ali,s (AS) Perspective, *Pazhuheshnameh – ye Nahj al – Balagheh*, 1(2). (in persian)
- Sobhani, H. (2012). *The scope of Islamic economics*. Tehran: Gostareh – e Eqtesad – e Eslami. (in persian)
- Tabataba'i, M. H. (2013). *Al – Mizan fi tafsir al – Qur'an* (Vol. 13). Isma'iliyan Publishing Institute.
- Tavakoli, S. (2012). Bioethics and explaining the necessities of protection and productivity of water resources in line with the teachings of environmental jurisprudence. *Bioethics Quarterly*, 77–100. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v2i3.13996> (in persian)
- Vafadar, M, Ahmari, H, Rajaeipour, M, & Sarvari, H. (2017). Jurisprudential rulings and rules in green space land use. *Fiqh and History of Civilization Quarterly*, 13(54), 131–168. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/913889> (in persian)
- Vahidi Manesh, H. A. (2006). The objectives of jihad in Islam. *Ma'refat Journal*, (102), 9–13. (in persian)
- Zaroum, M. A, Jiffry, M, & Salhab, B. (2025). The ethics of war in Islam in light of contemporary international relations: An applied jurisprudential study. *International Journal of Fiqh and Usul Al – Fiqh Studies*, 9(3), 10–22. <https://doi.org/10.31436/ijfus.v9i3.398>